

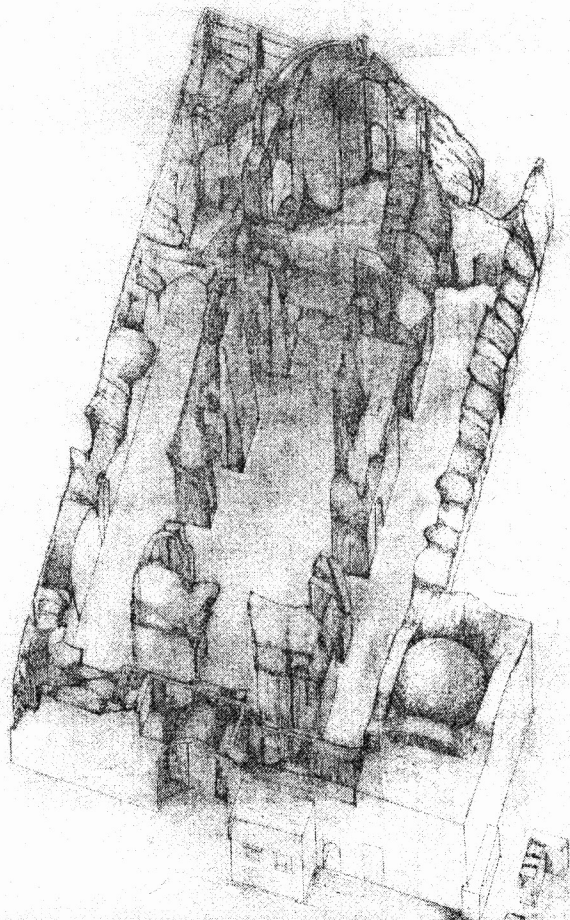
مطالعه و پژوهش معماری مسجد جامع

ده نی میبد

پایگاه پژوهشی میبد

عیسی اسفنجاری کناری

پیش درآمد:



پایگاه پژوهشی شهر تاریخی میبد در کنار سایر فعالیتها و کارهای پژوهشی در دست انجام از سال ۱۳۸۰ همزمان با پروژه مستند سازی و شناسایی مساجد تاریخی منطقه، نسبت به شناسایی و معرفی مسجد ده نو اقدام کرده از آن پس طی برنامه‌ای منظم و مدت دار، اقدامات ثبت آن در فهرست آثار ملی - رولوه و برداشت نقشه‌های دقیق، سونداز و پی‌گردی گرمخانه غربی، پژوهش معماری مسجد و محوطه اطراف و همچنین همزمان با مطالعات، عملیات اجرایی مرمت‌های اضطراری و استحضاطی آن نیز انجام داده است و امروزه در حال تهیه طرح جامع مرمت و احیاء آن می‌باشد.

مجموعه مطالعات و اقداماتی که تاکنون انجام شده و گزارش آن در آرشیو پایگاه پژوهشی میبد موجود می‌باشد به قرار ذیل است:

- ۱ - شناسایی، مطالعه و مستند سازی مساجد تاریخی منطقه - محسن کشاورز - زیر نظر زرین تاج شیبانی - ۱۳۸۰
- ۲ - رولوه و برداشت و نقشه برداری کامل مسجد ده نو - لیلا ذاکر عاملی، سمیه اسماعیلی، عیسی اسفنجاری. که در متن مقاله از آنها استفاده شده است.
- ۴ - کاوش و پیگردی گرمخانه مسجد جامع ده نو - حسن حسینی - زیر نظر زرین تاج شیبانی
- ۵ - گزارش مرمت‌های استحضاطی و اضطراری مسجد جامع ده نو، عیسی اسفنجاری
- ۶ - پرس و جوهای محلی - در خصوص مسجد و محوطه اطراف آن - طاهره حسینی زیر نظر عیسی اسفنجاری
- ۷ - مطالعه و پژوهش معماری مسجد و محوطه اطراف آن - عیسی اسفنجاری (این مقاله برگرفته از همین پژوهش می‌باشد که ویرایش و صفحه‌آرایی آن با همکاری آقای امیر حسین کریمی انجام گرفته است.)

درآمد:

علاوه بر اهمیت فرهنگی - تاریخی و مدنی میبد در دوران مختلف، پیش از تاریخ به استناد یافته‌های باستانشناسی بدست آمده در نارین قلعه میبد و دوران تاریخی به گواه شواهد معماری، اندام کهن شهر، مواد فرهنگی، سفالینه‌ها، سکه‌ها و مهرهای کشف شده، مطالعات نشان می‌دهد که شهر در دوران اسلامی نیز همچنان به رشد و توسعه خود در ابعاد مختلف زیستی ادامه می‌دهد. مهمترین سند مکتوب اشارات، ابن حوقل، استخری و حمد الله مستوفی و شرف الدین علی یزدی در مورد شهر میبد و جامع آن است. که مجموعه پژوهش‌های انجام شده توسط پایگاه پژوهشی میبد در شهر قدیم و مسجد جامع، اهمیت آن را تصدیق می‌کند.

از سهم همه دوره‌های تاریخی در شکل، تطور و توسعه شهر که بگذریم، به خصوص در قرون میانه اسلامی نقش یک دوره از همه دوره‌ها پررنگ‌تر و قوی‌تر است و آن زمانی است که میبد به عنوان نشیمن سران آل مظفر مورد توجه ویژه قرار می‌گیرد. اگرچه مدت زمان کوتاهی به طول می‌انجامد؛ و پس از چند سال مرکز قدرت به یزد و سپس به کرمان منتقل می‌شود، ولی بخاطر اینکه خاستگاه آنها میبد بوده و بسیاری از حاکمان آل مظفر در میبد متولد شده و پرورش یافته و برخی از آنها نیز در میبد مدفون شده‌اند از این رو شهر در سرتاسر دوران آل مظفر دارای اهمیت ویژه‌ای بوده و بارها مورد حمله رقبای آل مظفر قرار گرفته است.

از این رو و به گواه مصادیق معماری و شهرسازی برخی مضامین و مفاهیم تاریخی و همچنین چهره کالبدی موجود، حاکمیت که شهر در این دوره از رشد، رونق و شکوفایی قابل توجهی برخوردار گردیده که پیامدهای آن در ساختار و چهره شهر به طور محسوسی قابل برداشت

- بر مبنای پژوهش‌های انجام شده در نارین قلعه میبد به سرپرستی زرین تاج شیبانی و ناصر نوروز زاده چگینی

و دریافت می‌باشد. این بحدی است که رنگ و بوی و حال و هوای شهر قدیم، بیش از هر دوره قبل و بعد از آن مظفریست و مهر و نشان این دوره در جای جای شهر قابل بازخوانی و باز شناسی می‌باشد.

- مسجد جامع ده نو از نمونه‌های بکر و اصیل مساجد منطقه در همین دوران است که به لحاظ جابجایی هسته سکونت محله امروزه به تنهایی و به طرز نسبتاً رضایتبخشی برجای مانده است. این بنا پس از ساخت اولیه هیچگونه تعمیر و تغییری در آن صورت نگرفته، تمامی اندام و عناصر و جزئیات آن اصیل، و از یک نوع خلوص معماری و ساختمانی برخوردار است و از این جهت قابل ارجاع و استناد می‌باشد.

در این مختصر سعی شده است که به توصیف معماری این مسجد پرداخته، نوع نقشه، فضاهای معماری و شیوه ساختمانی، سازه و مصالح آن را بعنوان یکی از نمونه‌های بارز الگوی مساجد محلی منطقه در دوران مورد نظر معرفی و هراز گاهی با مقایسه و ارجاعی در حد اشاره با چند مسجد هم ساز با آن، اندکی بر دامنه و ابعاد باز شناسی آن افزوده است.

تاریخچه مختصری از حاکمان آل مظفر در میبد و

یزد

آل مظفر از فرزندان غیاث الدین حاجی می‌باشند. غیاث الدین که از قریه سجاوند خواف خراسان بود، در زمان حمله مغول (سال ۶۱۸ هـ) با سه فرزند ذکور خود به یزد مهاجرت نمود و پس از مدتی در میبد اقامت گزید. دو فرزند او یعنی ابوبکر و محمد در خدمت علاءالدوله اتابک یزد بودند و فرزند سوم منصور نزد پدر در میبد ماند.^۱

“وقتی سلطان محمد خدا بنده بر تخت سلطنت نشست، عربان فولادی در کرمان شورش کردند، راهها را بستند و مقرری به حکومت ندادند. سلطان محمد، شرف الدین مظفر را برای سرکوب آنان به فارس فرستاد. شرف الدین در فارس متوجه عصیان شبانکاره شد و شبانکاره را مهتمز کرد و استادان بنا را از شبانکاره به میبد فرستاد و مدرسه عالی بنا کرد. آن را مظفریه نامید وی در اثر بیماری درگذشت و در این مدرسه دفن شد.”^۲

ستوده نوشته است: “شرف الدین مظفر فرزند منصور چون در سرکوب راهزنان فارس که به اطراف یزد هجوم می‌آوردند موفق شد، از طرف اتابک یزد به حکومت میبد و ندوشن رسید. (۶۷۳-۶۹۰ هـ) وی در سال ۷۱۳ هـ وفات یافت. بعد از وی پسرش امیر مبارزالدین محمد به جانشینی پدر به حکومت رسید و نگهداری راههای اطراف یزد به او گذاشته شد. محمد مورد تفقد و عنایت مخصوص ابوسعید قرار گرفت و جامه سلطنتی و کمر بند مرصع به جواهرات قیمتی دریافت کرد و همچنین پرچم و طبل و مقرری سالیانه برای او تعیین گردید.

امیر مبارز الدین در میبد اقامت داشته تا اینکه سلطان ابوسعید وفات یافت. امیر مبارزالدین به یزد آمد و اعلام استقلال کرد و فرزند خود شرف الدین مظفر را به حکومت

میبد رساند. امیر مبارز الدین بر کرمان، یزد، اصفهان، فارس استیلا یافت.

او به آذربایجان نیز حمله کرد و تسلط به عراق و آذربایجان را بیعت با خلفای عباسی می‌دانست او در سکه و خطبه نام خود را بعد از نام خلیفه قرار داد. در سکه هایی که از او باقی است نام خلفای اربعه منقوش است بنابراین مذهب سنت داشته که مذهب رایج مردم جنوب ایران در آن زمان بوده است. وسعت متصرفات او تمامی جنوب و قسمتی از مرز ایران بود. حدود شرقی متصرفاتش تا رود سند و در طرف غرب اتابکان لر در بختیاری و لرستان می‌رسید و از او اطاعت داشتند و در جنوب، ملوک هور موز از او اطاعت می‌کردند. حوزه اقتدارش از این سمت تا سواحل و جزایر خلیج فارس استوار داشت در شمال متصرفاتش تا سلطانیه می‌رسید. در زمان وی دولت آل مظفر در منتهای وسعت خود بود.

- امیر مبارز الدین در شهرهایی که حکومت کرده بود آبادیهایی ساخت که بیشتر جنبه مذهبی داشت مثل مسجد، مدرسه، دارالسیاده، او و فرزندانش در میبد و اطراف یزد روستایی را آباد کردند و از آن جمله مبارزآباد^۳، ترکان آباد، شاه آباد و رستاق، مظفرآباد میبد، احمد آباد میبد، ...^۴

کاتب آورده است: “در سال سبع و ثلاثین سبعمائه (۷۳۷) سلطان ابوسعید حکومت یزد را به سید عضد داد، اما محمد مظفر او را از میبد براند و یزد را نیز تصرف کرد و سید عضد به شیراز رفت، محمد مظفر خزینهای که در یزد بود تصرف کرد و قلعه دالان میبد را ساخت و پسر خودش را شاه مظفر در میبد مستقر کرد. بعد از مرگ ابوسعید امرای هر ولایت ادعای استقلال کردند، از جمله محمد مظفر هزار سوار و پانصد پیاده جمع کرد و در سال سبع اربعین و سبع مائه (۷۴۷) بعضی محلات شهر که

۱- تاریخ آل مظفر جلد یک - دکتر حسین قلی ستوده - دانشگاه تهران ۱۳۴۶ ص ۵۸-۶۲

۲- کتاب تاریخ جدید یزد - احمد بن حسین بن علی کاتب - چاپ اول ۱۳۴۵ - چاپ دوم ۲۵۳۷ - تهران انتشارات امیر کبیر. ص ۸۰

۳- به احتمال قریب به یقین قنات مبارز آباد و قنات احمد آباد ده نو که هم اکنون نیز در کشتخوانهای اطراف مسجد ده نو (با کمک چاه) دائر می‌باشند متعلق به زمان امیر مبارز الدین باشد.

اگرچه باده فرح بخش و باد گلریز است
 بیانگ چنگ مخور می که محتسب تیز است
 در آستین مرقع پیاله پنهان کن
 که همچو چشم صراحی زمانه خونریز است
 ز رنگ باده بشوئید خرقه ها در اشک
 که موسم ورع و روزگار پرهیز است

امیر مبارز الدین نهایتاً هدف کینه دو پسر خود شاه شجاع و شاه محمود گشته، مغلوب آنها شد و در دو چشم جهان بینش به امر شاه شجاع میل کشیدند، از مظفریان مخصوصاً شاه شجاع و شاه منصور، آخرین حکمرانان این سلسله ممدوح حافظ واقع شدند. شاه شجاع خود ذوق ادبی و قریحه شاعرانه داشت و در زمان او شیراز از فشار متعصبین خشک و خشن خلاصی یافت.

از محتوای آنچه در متون و کتب تاریخ محلی یزد برمی آید خلاصه اینکه، در زمان سلطنت ابوسعید آخرین حکمران دود مان مغول، مبارز الدین محمد، با بدست گرفتن قدرت، پس از راهبانی منطقه یزد، میبد را پایگاه قدرت خود قرار داد. دژ نارین قلعه را مرمت و باز سازی و حصار شهر را محکم کرد و در آن مستقر شد و به گسترش قلمرو خود پرداخت. پس از مرگ ابوسعید برکل منطقه یزد و میبد مسلط شد دیری نپایید که استیلای خود را تا کرمان (۷۴۱) و شیراز (۷۵۴) و اصفهان (۷۸۵) بسط داد. بنابراین در این زمان چون این ناحیه از ایران که قسمت قابل ملاحظه‌ای از کشور محسوب می شد از انهدام تعمدی مغول مصون ماند، می توان انتظار داشت که در این منطقه، از زمان سلجوقیان فعالیت های مداوم ساختمانی وجود داشته باشد و بخصوص با توجه به حوزه سیاسی خاص، تحت نفوذ حکمرانان آل مظفر می توان سبک محلی خاصی تحت عنوان سبک مظفری و یا به اعتقاد دونالد ویلبر مکتب یزد را، در این حوزه شناسایی و معرفی کرد. در این میان آثار شاخص معماری، مساجد، خانقاه ها، خانه ها، قنات، باغات و محله های تاریخی میبد متعلق به همین دوره جهت تعریف، تبیین و تفسیر موضوع و جایگاه آن در تاریخ معماری و شهرسازی ایران اهمیت ویژه ای دارد.

بیرون شهر بود، داخل شهر کرد. یزد را وسعت داد، برجهای عالی ساخت خانقاه و حمام نیکو بساخت.

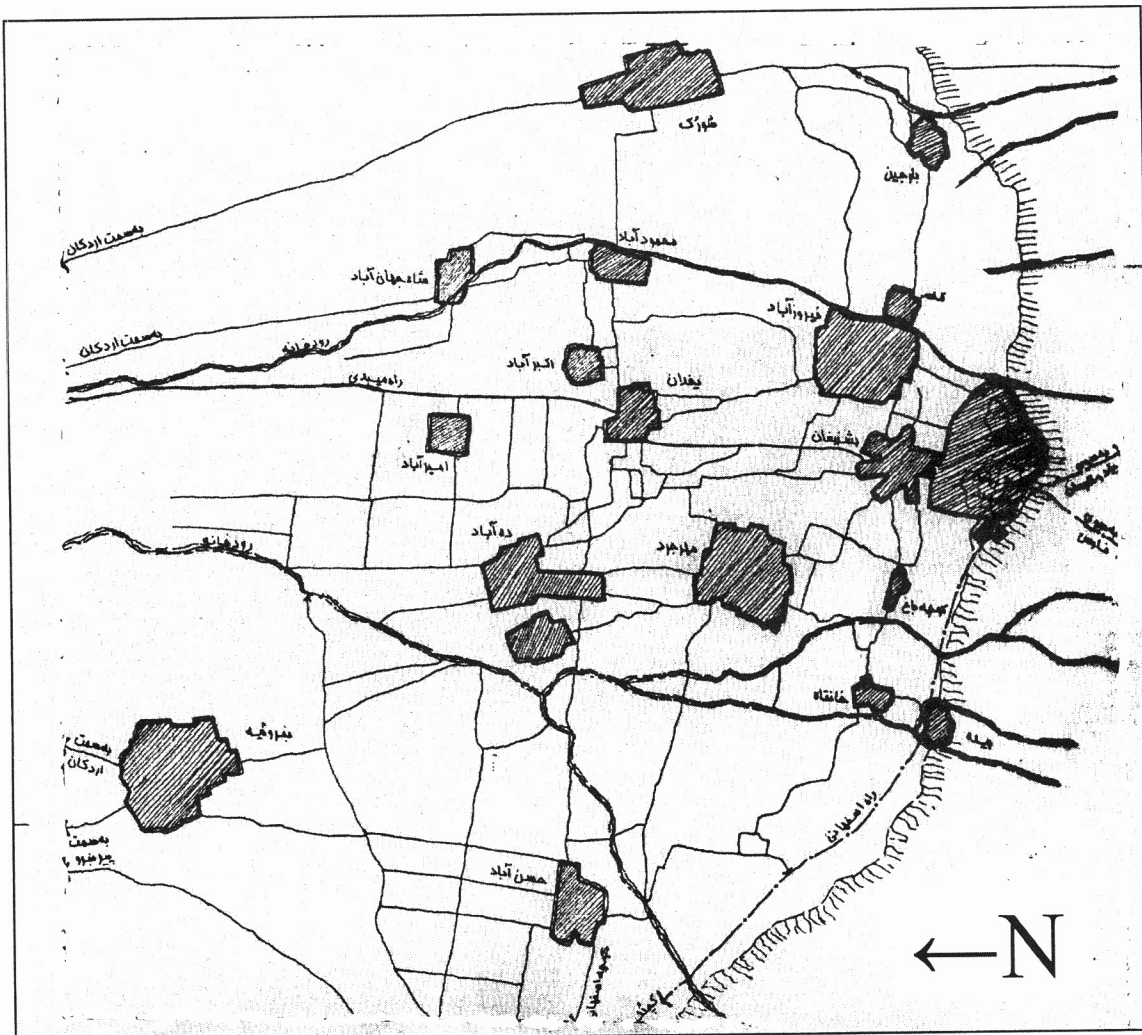
در سال اربعین و سبع مائه (۷۴۰) سرای ترکان را بنا کرد خانه ای معروف به دولتخانه را بساخت برای پسران و پسر زادگان سراهای عالی ساخت وی و فرزنداناش چند پاره ده ساختند از جمله مبارز آباد، ترکان آباد، مظفر آباد، احمد آباد، ...

وی کرمان، شیراز، اصفهان، ابرقو و تبریز را گرفت. خلیفه عباسی معتضد بالله از مصر منشور سلطنت برای وی فرستاد و او را در خطبه سلطان مبارزالدین محمد خوانده بعد از وی فرزنداناش شاه شجاع و شاه محمود مملکت را تقسیم کردند. شیراز و ابرقو و کرمان از آن شاه شجاع و اصفهان و کرمان و یزد به شاه محمد رسید.

شاه یحیی بن مظفر که برادر زاده او بود، توسط شاه شجاع دستگیر و محبوس شد، ولی شاه یحیی موفق شد از قلعه ای که محبوس شده، بیرون آید. وی به یزد آمد و بر آن مسلط شد. از جمله عمارتهایی که وی در یزد بساخت خانه ای عالی با دو بادگیر بلند، عمارتی عالی و بادگیری موسوم به شیخ مبارکشاه و گلشن ساخت ایوان و سرای ترکان را دو طبقه کرد و مدرسه عالی در جنب خانقاه خویش محمد مظفر ساخت و قبه عالی برافراخت و نصرتیه نامید. ده فتح آباد مشهور به ده نوباباغ و قصر و دریاچه نیکو در آن باغ احداث نمود از عمارتهای دیگر: حمام، مسجد و بازار می باشد از جمله بازار دلان، بازار کفش دوزی ...

پرفسور شبلی نعمان در کتاب شعر العجم می نویسد: «وقتی محمد بن مظفر (امیر مبارزالدین محمد) بر تخت نشست برای هر جا یک نفر محتسب مقرر داشته و تمام میخانه ها را حکم کرد بستند.»

در تذکره تقی الدین حسینی آمده که خواجه حافظ غزل ذیل را در این مورد گفته است:



ساختار شهری و محله بندی شهر میبد

میبد:

میبد در میانه‌های دشت فرونشسته یزد - اردکان واقع گردیده است. مکان طبیعی - تاریخی آن را می‌توان در مرکز ثقل حوزه فرهنگی دشت یزد - اردکان، در جوار راه باستانی ری به کرمان؛ و بر لبه تراس طبیعی زمین توصیف کرد که دارای زمین و خاک رس بسیار مرغوب و قنوات فراوان می‌باشد.

مهم‌ترین مشخصه میبد، ساختار اصیل فضایی شهر و کلیت نظام شهر سازی آن است که بر اساس شواهد و مدارک تاریخی، ویژگی‌های فیزیکی، چهره کالبدی و فضاهای معماری، نشان از شهرسازی کهن ایرانی دارد که با وجود دخل و تصرف و بی‌مهری‌های دهه‌های ۵۰ و ۶۰، (همانند همه شهرهای ایران) به میزان رضایت بخشی از ساختار اصیل آن باقی مانده است.

میبد نیز همانند شهرهای کهن ایرانی دارای سه بخش ارگ (کهندژ) - شارستان و رض یا بیرونه است.

کهندژ

نارین قلعه بر بالای مرتفع‌ترین پشته گلی شهر، به ارتفاع ۲۵ متر و منطبق بر تراس طبیعی زمین، به صورت دماغه‌ای پیش آمده، قرار دارد، موقعیت استراتژیک آن به گونه ایست که بر تمامی محلات میبد اشراف داشته و در واقع بام شهر می‌باشد. قلعه میبد که به احتمال قوی در دوره ساسانی، یک دوره توسعه را نیز تجربه کرده است به شکل یک بیضی نامنظم می‌باشد که مساحت کلی آن حدود ۴ هکتار و در ۵ طبقه محصور در دیوارهای سنگین تو در تو و چند فصلی می‌باشد که توسط خندق و برج و باروی محکمی از پیرامون خود مجزا گشته است.

بر اساس تازه‌ترین کاوش‌های باستان شناسی انجام شده، قدمت آن را بیش از هزاره سوم پیش از میلاد ارزیابی می‌کنند که این خود نشان از کهندژترین استقرار و سکونت، نه تنها در حوزه میبد بلکه در تمامی استان یزد دارد که تا کنون گزارش شده است. این ارگ حکومتی همچنان برفراز شهر میبد بوده و یادآور اقتدار این شهر در طول تاریخ است.

شارستان

میبد امروزه، به واسطه گسترش و توسعه محله‌های کوچک قدیمی و بهم پیوستن آنها به یکدیگر تشکیل مجموعه‌ای به ظاهر واحد داده است، اما شارستان قدیم میبد، یا میبد مرکزی، یا مادر شهر میبد در داخل مجموعه‌ای مستحکم و محصور با برج و باروهای سنگین، دروازه‌های چهار گانه، خندق و استحکامات دفاعی - امنیتی عظیمی واقع گردیده که خود شامل سه محله است. محلات بر اساس گروه‌های اجتماعی شکل گرفته و نقش آب و قنات در شکل‌گیری محلات و نیز قشر بندی اجتماعی، بسیار حائز اهمیت است. فضای اصلی محله در مرکز اجتماعی - فرهنگی محله، حسینی یا میدانه‌ای است که در محل تقاطع چند گذر اصلی قرار گرفته و گذرهای عمده به آن می‌رسند. در اطراف آن معمولا گرمابه - مسجد - آب انبار و بازارچه و ... قرار دارد. بازار به عنوان ستون فقرات اصلی شهر از دل شارستان در محله پرتراکم بالای میبد عبور می‌کند و مهمترین مسیر و در واقع شاهگذر ارتباطی شهر محسوب می‌شود. بازار از دروازه جنوبی شهر آغاز و به مرکز ثقل یا قلب شهر یعنی مسجد جامع منتهی می‌شود که بر اساس تازه‌ترین پژوهش‌های انجام شده متعلق به قرون اولیه هجری است. همانگونه که اصطخری نیز در قرن چهارم از وجود مسجد آدینه معتبری در شهر خبر داده است.

رض

در نظام شهر سازی قدیم هنگامی که مرکز اداری یک ناحیه به عنوان شهرستان معین می‌شد آنرا با خندق و برج و باروهای محکم محصور می‌کردند. محله‌هایی که اطراف و پیرامون حصار شهر بیرون از دروازه‌ها واقع می‌شد یا بعداً پدید می‌آمد در «بیرونه» یا «رض» یا «سواد شهر» می‌خواندند، به عبارت دیگر حیات اقتصادی شهر عمیقاً به همین بیرونه‌ها بستگی داشت و در واقع این آبادیها بایک مرکز سیاسی و اداری، یعنی شهرستان، مجموعه شهر را تشکیل می‌دادند. ۱۷ پارچه آبادی میبد از جمله بشنیغان، فیروزآباد، مهرجرد، بیده، بارجین، ده آباد، بفروئیه، خانقاه، کوچه باغ، شورک، امیرآباد، یخدان، شاه جهان آباد، و... از این قرارند که به همراه شارستان مرکزی و ارگ حکومتی نارین قلعه مجموعه

شهر قدیم میبد را تشکیل می‌دهند و تمام این مجموعه خشتی گلی را باغ‌های انار همچون نگینی در بر گرفته‌اند.

ده آباد

ده آباد یکی از محلات بیرونی شهر قدیم میبد است که بر کرانه‌های شمالی شهر میبد و در پایین دست شمالی کشتخوانهای مهرجرد، در کنار راه ارتباطی قدیمی مهرجرد به بفرئیه واقع گردیده است. محله ده آباد که امروزه به ظاهر دارای وضعیتی مطلوبتر و رضایت بخش‌تر نسبت به سایر آبادی هاست، در قدیم دارای سه زیر محله آسیاب، محله بالا و محله پایین بوده است که هنوز همین نظام محله بندی حفظ شده و به چشم می‌خورد. (نقشه شماره ۱)

مسیر یک رودخانه قدیمی که در بالا دست از غرب محله بیده می‌گذرد، از بخش‌های غربی ده آباد عبور می‌کند. ده آباد در بخش شرقی این رودخانه قدیمی واقع شده و در بخش غربی این رودخانه، مسجد کهنسال ده نو قرار دارد که اهالی به آن مسجد «جن» نیز می‌گویند.

کشتخوان‌های اصلی ده آباد، مبارز آباد، کنه رو، ارجنگ و جندره (ده نو) می‌باشد که توسط چهار قنات، مبارز آباد، احمد آباد، کنه رو، قنات ارجنگ (سردک مهرجرد) تغذیه می‌شوند.^۴

محله آسیاب :

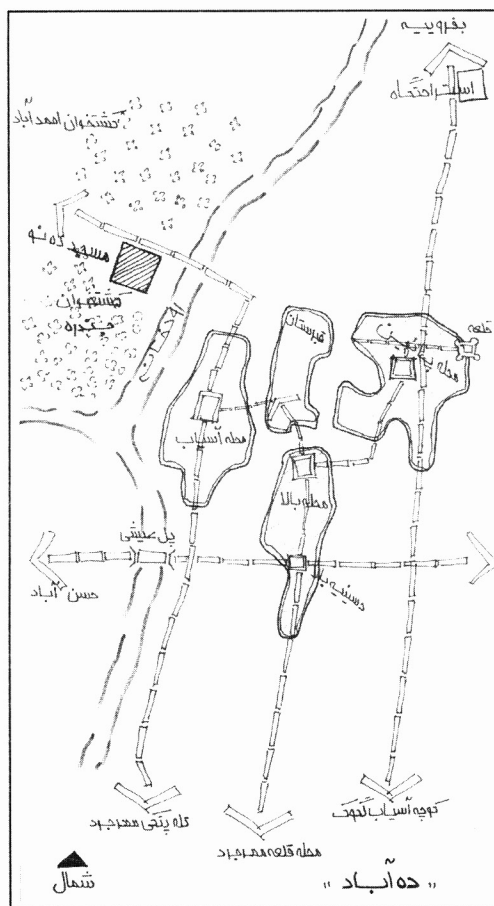
محله آسیاب، قدیم‌تر از دو محله دیگر می‌باشد و قنات قدیمی مبارز آباد نیز از این محله می‌گذشته و آسیاب را می‌گردانده است. مرکز محله با حسینیه (میدان)، مسجد، آب انبار، آسیاب و یک تکیه تعریف شده است همگی از قنات مبارز آباد استفاده می‌کنند.

محله بالا :

محله بالا نیز به صورت خطی در جوار محور اصلی راه که خود متأثر از حرکت و محور قنات می‌باشد، شکل گرفته و توسعه یافته است. مرکز اصلی آن به صورت میدان محله که

خود گذرگاه ارتباطی مابین چهارآبادی مهرجرد، بفرئیه، یخدان و حسن آباد می‌باشد، شکل گرفته است. مسجد، آب انبار و بازارچه در بخش‌های جنوبی محله واقع می‌باشند.

بر اساس کتیبه در مسجد ملا حسین تاریخ آن ۱۲۷۲ هـ. ق و قدیمی‌ترین سند مکتوب تاریخی آن، سنگ نوشته‌ای متعلق به آب انبار محله بالا به تاریخ ۱۱۸۴ هـ. ق است.



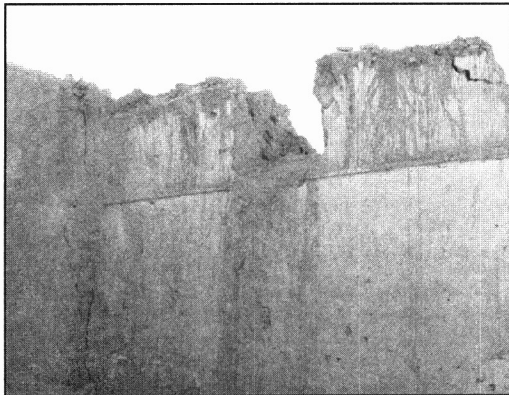
شکل شماره ۱- نقشه محله بندی ده آباد

محله پایین :

دارای یک میدان بزرگ و زیبا به همراه آب انبار، نماز خانه و حمام و یک میدان کوچک همراه با آب انبار بازارچه و مسجدی به نام مسجد محمد علی می‌باشد. بر اساس وقف نامه مسجد مقادیری آب و زمین جهت تهیه نان و اطعام مردم و روغن چراغ مسجد و... وقف مسجد می‌باشد. (به تاریخ ۱۱۹۰ هـ. ق)

۴-فلاح علیرضا/ نظری اجمالی بر آبادیهای بیرونی شارستان قدیم

میبد / زیر نظر اسفنجاری کناری / پایگاه پژوهشی میبد/ ۱۳۸۰



عکس شماره ۲- اتاق مستطیل شکل باقیمانده در زیر محله موسی بیگی -
تقریباً قدیمی ترین فضایی که در ده آباد به چشم می خورد

اسناد و مدارک :

به استثنای محدود اشاراتی که از محله ده آباد در تواریخ محلی یزد (عمدتاً مربوط به دوره آل مظفر) وجود دارد ، تنها منبع معتبر که مشخصاً برخی از اسناد و مدارک تاریخی را مطالعه و معرفی کرده است ، کتاب یادگارهای یزد آقای ایرج افشار می باشد .

ایرج افشار در صفحات ۹۹-۱۰۰ و ۱۰۱ کتاب یادگارهای یزد آورده است :

دهاباد

ده آبادی که در تواریخ یزد ذکرش آمده (از جمله در جامع الخیرات) آبادی قدیمی نزدیک یزد بوده است، و نباید موجب اشتباه با ده باد میبد بشود که در فرهنگ جغرافیایی ایران بنام (ده آب) یاد شده و اینجا مورد ذکر ماست. آثاری که در این آبادی دیده شد، بدین شرح است.

(۵۷) سنگ وقفنامه مورخ ۱۱۹۰

درحسینیه بزرگ و بر بالای مدخل آب انبار، تخته سنگی نصب و متن وقفنامه‌ای بر آن نقر شده است و حکایت از وقف مبادی آب و ملک توسط حاجی محمد بیک دهابادی در رجب ۱۱۹۰ می‌کند دایره بر اینکه منافع و عوائد حاصله را صرف تهیه (نان هزار و یک) به منظور اطعام مردم و روغن چراغ مسجد کنند. (عکس شماره ۳)

(۵۸) مسجد محله بالا

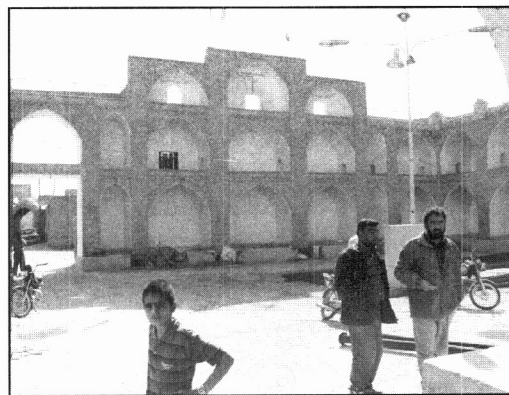
مسجد عادی کوچکی است که بر در ورودی چوبی آن این عبارت را نقر کرده‌اند:

این وقف نامه قدیمی ترین سند تاریخی این محله است اما خود اهالی قدمت این محله را بیش از اینها می دانند قلعه در انتهای بخش شمال شرقی محله بوده که بر گرد آن خندقی قرار داشته که امروز اثری از آن وجود ندارد .

(عکسهای شماره ۳ و ۱)

زیر محله موسوکی (موسی بیگی) نیز بخش اعیان نشین محله است که خود دارای میدان ، آب انبار ، مسجد زینب (مسجد حاج علیرضا)، حمام و خانه های اربابی بوده و در پایین دست محله پایین واقع شده است.

در نگاه اول ساختار این زیر محله جدیدتر از سایر بخش های ده آباد به نظر می رسد، ولی وجود مسجد کوچک حاج علیرضا ، بخصوص وجود اتاق مستطیلی شکل باقیمانده در بخش جنوبی گذر؛ و میدان با سردابه ای در زیر همین اتاق، بازگوکننده قدمتی فراتر از سایر بخش های محله است. با توجه به ساختار واندام ساختمانی آن و تناسبات فضای داخلی و نحوه پوشش این فضا (که از بین رفته) می توان بنای آن را به دوران آل مظفر نسبت داد.



عکس شماره ۱- میدان بزرگ محله پایین ده

به نظر می رسد که این فضا بخشی از یک مجموعه بزرگتر بوده که در جبهه غرب و شرق آن ادامه داشته و امروز از بین رفته است . بنابر این هرگونه اظهار نظر دقیق تر در این خصوص ، نیازمند پژوهش های معماری عمیق تری می باشد (عکس شماره ۲)

((وقف نمود خیر الحاج ملا حسین این در را بر مسجد جدید البنای خود در محله علیای قریه دهاباد یزد ، فی ۱۵ شهر رمضان سنه ۱۲۷۲))
(عکس شماره ۴)

آب انبار حاجی کریم در جوار مسجد محله بالا بنا شده است و سنگ تاریخ منظومی مورخ ۱۱۸۴ هـ دارد ، با این ابیات :



عکس شماره ۳- سنگ وقف آب انبار بزرگ محله پایین واقع در میدان ده آباد، سنه ۱۱۹۰ هـ.ق.

حاجی والا گوهر حاجب کریم
زانکه بندد گوهرش زیور به یزد
یزد بودی جسم بی جان در جهان
آن جهان جان نبودى گر به یزد
غرق بحر جود و احسان وی است
هر که هست از کهنه و مهتر به یزد
یزد ارشد طالع اختر بلند
از طلوع آن بلند اختر به یزد
ساخت در یزد آب انباری کز آن
تشنه کامان را شود لب تر به یزد
زنده و جاوید گردد همچو خضر
گر خورد زین آب، اسکندر به یزد
چشمه حیوان که از مردم نهان
بود در ظلمات ، برزد سر بر یزد
غرض چون یافت اتمام از آن
گشت پیدا کوثر دیگر به یزد
خواست تاریخش نقی از پیر عقل
عقل گفتا شد عیان کوثر به یزد
وی همچنین در ادامه آورده است :
مسجد محله آسیاب (ده نو)

مسجدی است به کلی ویرانه که منحصرأ ستونهای شبستان و چرخهای آن بجا مانده است . و آثار دیگر آن بدین شرح معرفی می شود : در این مسجد نصف یک سنگ قبر از مرمر به اندازه ۵۰×۳۶ سانتی متر افتاده است که بر اطرافش چهارده معصوم و در وسطش عبارت زیر را با خط خوش نسخ نقر کرده اند ((وصل فی ... (خواننده نشد) الی المولی الامام المعظم السعید الکامل المخضّم الحمید خلف المشایخ المتورعین () الله والدین عمر بن الشیخ المکرم منیع ... (شکسته) الاکرم ... (شکسته))))^۵ —
(عکس شماره ۵)

در مدخل مسجد یک لنگه درب چوبی از هم درفتند ای نصب شده که بر کتیبه آن به نسخ خوش نوشته شده است :
«علی - ولی الله حقاً حقاً - مهادین (؟) بن رئیس محمد ده آبادی به تاریخ ۲۴ شهر شوال ۹۷»

اهل محل گفتند که این در متعلق به مسجد جامع ده آباد بوده است که به مناسبت تجدید بنا در آن را به مسجد خرابه محله آسیاب نقل کرده اند .



عکس شماره ۴- کتیبه درب چوبی مسجد (محله بالا) به تاریخ- ۱۲۷۲ هـ

علاوه بر اسناد یادشده ، در مورخ ۸۲/۴/۱۰ یک عدد سنگ قبر به ابعاد ۱۵×۴۰×۱۵ cm در محل دفع زباله های ساختمانی حسن آباد میبد (جاده آسیاب میرزا ، نزدیک آب انبار) توسط راننده تراکتور پایگاه پژوهشی میبد شناسایی و بلا فاصله به انتقال آن به پایگاه اقدام گردید.(عکس شماره ۶)^(۵)

۵- این سنگ قبر امروزه به رباط (میراث فرهنگی میبد) منتقل شده و در انبار نگهداری می شود.



عکس شماره ۶- سنگ قبر مکشوفه



عکس شماره ۵- تکه فوقانی سنگ قبر مسجد ده نو محل نگهداری- میراث فرهنگی میبد

پس از جستجو و بررسی‌های محلی مشخص گردید که سنگ قبری مشابه آن در قبرستان قدیمی محله ده آباد میبد وجود داشته که حدود ۱۰ سال پیش ناپدید شده است و به احتمال قریب به یقین این سنگ متعلق به آن قبرستان می‌باشد این سنگ که از وسط شکسته و دوتکه شده با خط خوش نسخ اطلاعات زیر بر روی آن منقور شده است.^۶

محوطه مسجد جامع ده نو:

محوطه مسجد و کشتخوانهای اطراف، در میان مردم به احمد آباد ده نو معروف است. اینکه اسم این کشتخوان و قنات آن را ده نو می‌خوانند، خود قابل تأمل است.

از زبان تقریباً همه مردم به سیلی اشاره می‌شود، که در این بخش جاری شده و آبادی و آبادانی آن را از بین برده و از آن تنها مسجدی بر جای مانده است. همچنین برخی از مردم عقیده دارند که اطراف مسجد قبرستان بوده است. (نقشه شماره ۳)

مسجد از سوی شمال و شرق به کوچه مشرف است. بجز اتاق الحاقی (غربی) مسجد که در کنار راه اصلی شرقی-غربی واقع شده، در جبهه غربی‌تر همین بخش یک راهرو و سه حجره دیگر وجود دارد، که فقط یکی از آنها دارای پوشش می‌باشد. نوع قرارگیری این اتاقها در کنار گذر، حالتی از حجره‌ها و مغازه‌های بازار را تداعی می‌کند. (تصاویر ۷ و ۸) تقریباً در مقابل این اتاقها آب انبار ده نو واقع شده است.

آب انبار دارای یک مخزن به قطر ۷متر و یک فضای ورودی و راه پله دسترسی به آب می‌باشد، که با عمق

لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله حقا حقا
وفات یافت مرحومه مغفوره مسیحای پاینده خوانده بنت
نظام الدین به تاریخ شهر صفر سنه ۱۰۱۷

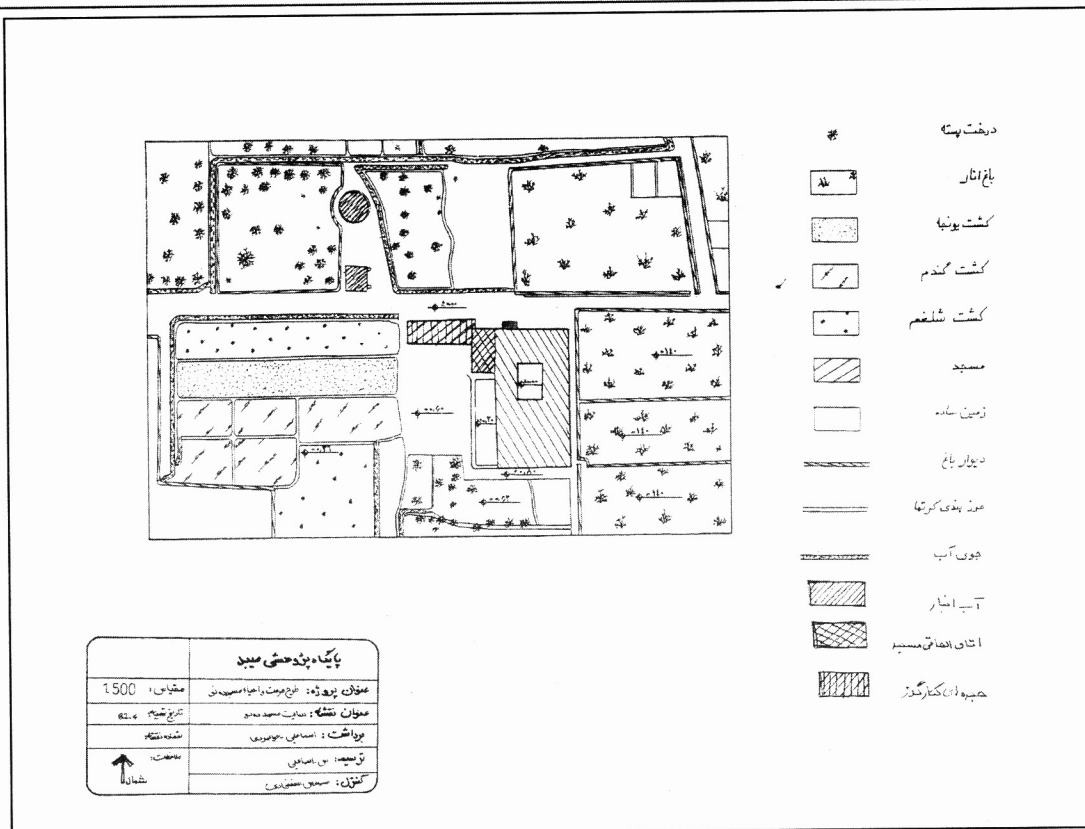
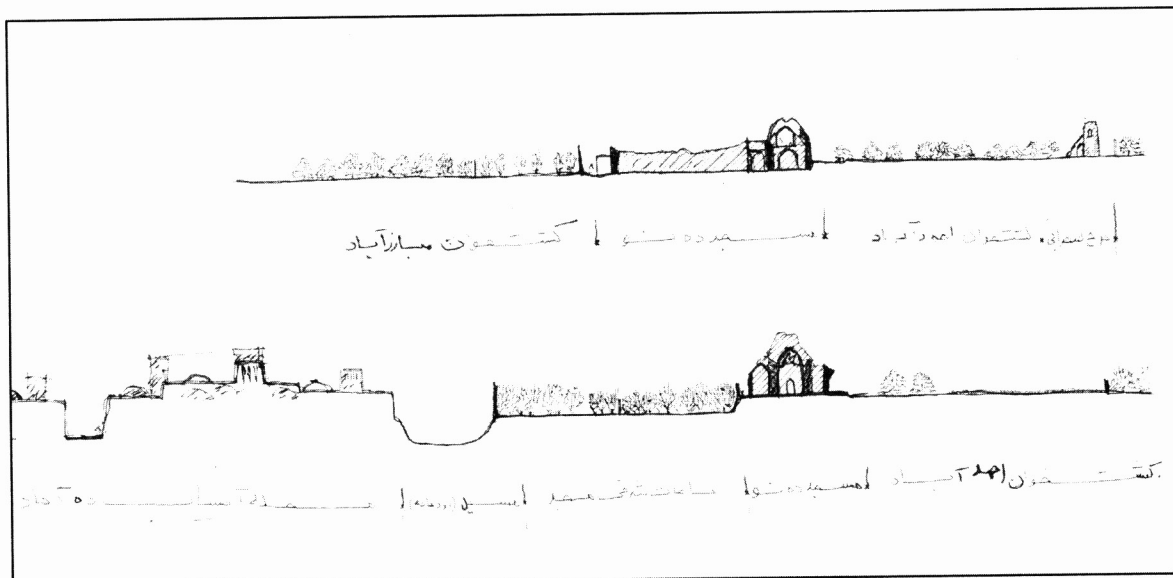
و بر گرداگرد سنگ منقور شده: (صلوات کبیره)

اللهم صل علی محمد المصطفی
وصل علی الامام المرتضی وصل علی الامام حسن الرضا و صل علی
الامام الحسين الشهید بکربلا و صل علی زین العابدین و صل علی
الامام الباقر

وصل علی الامام الصادق و صلی علی
الامام موسی کاظم وصل علی علی بن موسی الرضا و صل علی
الامام محمد تقی وصل [علی الامام التقی وصل علی] الامام
الحسن العسكري وصل علی الامام محمد المهدي صاحب العصر
والزمان.

۶- این سنگ قبر پس از انجام مراحل قانونی از پایگاه پژوهشی میبد به اداره میراث فرهنگی منتقل و تحویل گردید.

شکل شماره ۲- پروفیل شمالی - جنوبی و پروفیل شرقی - غربی محوطه



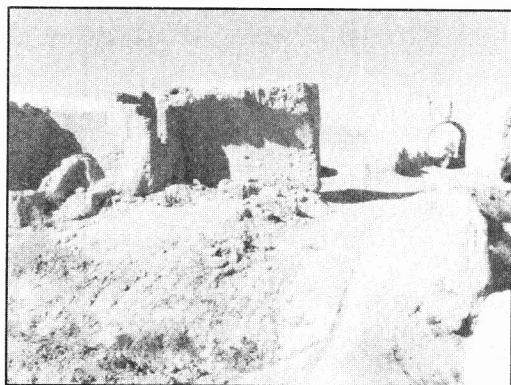
شکل شماره ۳- نقشه محوطه اطراف مسجد

حدود ۷ متر به پاشیر انبار رسیده است. بجز حجره‌های یاد شده، آب انبار و بقایای معماری گرمخانه، تقریباً شواهد معماری دیگر در اطراف مسجد یافت نمی‌شود و تمام محوطه اطراف مسجد، عرصه کشت و کار می‌باشد. به غیر از کاروانسراها و مجموعه‌های بین راهی، تنها مقبره‌ها هستند که از قدیم جدا گانه ساخته می‌شده و از همه سمت نمایان بوده است بنابراین، این امر راجع به مساجد صدق نمی‌کند و مسجد ده نو امروز به طور تنها و غریبه در داخل بخش‌های مزروعی واقع شده است. اینکه آیا مسجد در گذشته تکمیل شده یا نه؟ و یا اینکه مسجد از ابتدا به عنوان هسته مرکزی ناحیه مورد نظر ساخته و تکمیل شده و اما موفقیت در آبادانی محله بوجود آمده یا نه؟ یا اینکه رابطه مسجد با محیط اطراف آن در گذشته چگونه بوده؟

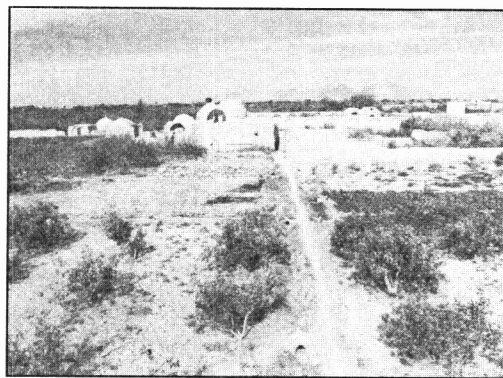
سؤالاتی است که ما را واداشت تا اندکی در محیط پیرامونی مسجد جستجو و تفحص کنیم.

با نگاهی گذرا و بررسی‌های میدانی ساده در بافت مزروعی و کشتخوانهای اطراف مسجد می‌توان شواهدی از آثار و بقایای معماری و ردپاهایی از حیات گذشته را در آن یافت.

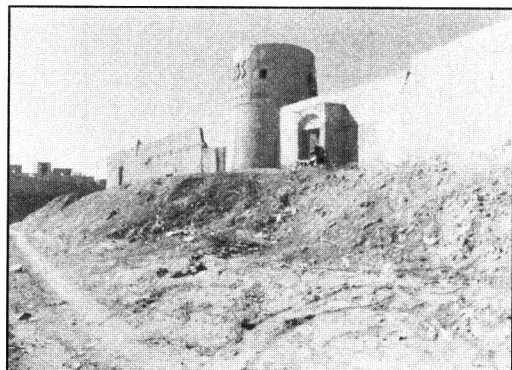
۱- دیوارهای قطور برخی از باغات که به نظر خیلی بیشتر از یک دیوارباغ کارکرد و قابلیت داشته، ضمن اینکه پی برخی از این دیوارهای باغ خیلی قدیمی‌تر از بخش‌های فوقانی آن می‌باشد.



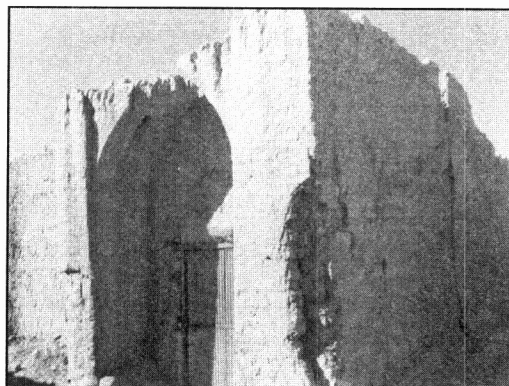
عکس شماره ۸- سباط و فضای جانبی آن - آب انبار بسیار قدیمی و فضاهای معماری ناخوانای دیگر واقع در مرکز کشتخوان احمد آباد ده نو (شمالی از یک راسته بازار و مرکز محله را نداعی می‌کند)



عکس شماره ۷- منظر عمومی از مسجد ده نو



عکس شماره ۱۰- برج دیده بانی و بقایای حصار در امتداد غربی رود خانه



عکس شماره ۹- فضای ورودی به یکی از باغات در کشتخوان احمد آباد ده نو - نوع دور قوس به کار رفته، مشابه قوسهای مسجد است.

۲- وجود یک سباط و فضاهای جانبی اطراف آن ، یک آب انبار و برخی عناصر معماری دیگر، در داخل کشتخوان شمالی مسجدکه با آب مبارز آباد کار می کرده است، و به نظر می توانسته مرکز یک محله باشد . (عکس شماره ۸)

۳- وجود برخی درگاه های رسمی و فراتر از درگاهی و سرطاقی یک باغ که به نظر می رسد مربوط به فضاهای پیشین بوده و یا اینکه اندکی دخل و تصرف و مرمت شده است . (عکس شماره ۹)

۴- وجود آب انباری با سهم آب زیاد در کنار مسجد که خود باز گوکننده سرانه و مصرف بالای آب آن می باشد که ناشی از آبادانی و جمعیت نسبتاً زیاد آن بوده است .

۵- وجود دو رشته قنات و کشتخوان ، یکی احمد آباد ده نودر اطراف مسجد متعلق به اهالی محله آسیاب و دیگری قنات مبارز آباد در بخش های پائین دست و شمالی مسجد متعلق به اهالی محله بالا و پایین ده آباد امروزی، می تواند بازگو کننده این باشد که حداقل دو محله مهم در این محوطه در گذشته وجود داشته است .

۶- وجود مکانی بنام پیر در داخل کشتخوانها که دو درخت پسته کهنسال نیز وقف آن می باشد که به اعتقاد مردم قبر شخص معتمدی بوده است .

۷- وجود زمینی که گفته می شود در قدیم کارگاه روغن گیری بوده است .

۸- وجود یک برج نگهبانی شهری سوای برج های نگهبانی صحرایی (که برای کشاورزی و آبیاری کاربرد داشته) در حاشیه غربی مسیل رودخانه ، که در بخش های فوقانی برج کله های زیبای گود و برجسته خشتی کار شده است لازم به یاد آوری است که برج های نگهبانی صحرایی در میبد عاری از هر گونه تزئین و پرداخت های هنرمندانه در نما می باشد . (عکس شماره ۱۰)

و بسیاری شواهد دیگر از این دست به انضمام تاکید و تعریف سینه به سینه و شفاهی مردم ، حکایت از آن دارد که این کشتخوانها در گذشته محله آبادی بوده و دارای فضای معماری و اندام های ساختمانی و به احتمال قوی خود دارای چند زیر محله بوده است.

بنای مسجد زمانی در وسط ناحیه ای آباد قرار داشته ولی اکنون تنها مانده و بقای خود را اولاً مدیون جنبه دینی خود و ثانیاً از حیث بهتر و محکمتر از ساختمانهای عادی بودن آن ، دارد ولی علت اصلی متروک و مهجور و خاموش شدن آبادی قدیم چه بوده دقیقاً مشخص نمی باشد . اینکه آیا علت اصلی جابجایی هسته آبادی به گفته معمرین محلی سیل بوده یا بیماری مسری و لا علاج وبا، طاعون و امثال آن و یا اینکه در اثر زلزله ، یا جنگ و خونریزی ویران شده و از میان رفته ، اطلاع دقیقی در دست نیست که امید است با شروع کار مطالعه و حفاظت و نجات بخش مسجد، گامی به سوی مطالعه، شناخت و بررسی کمی و کیفی این محله خاموش بر داشته شود و پژوهش های معماری و شهر سازی و بررسی های باستانشناسی در این بخش آغاز گردد.

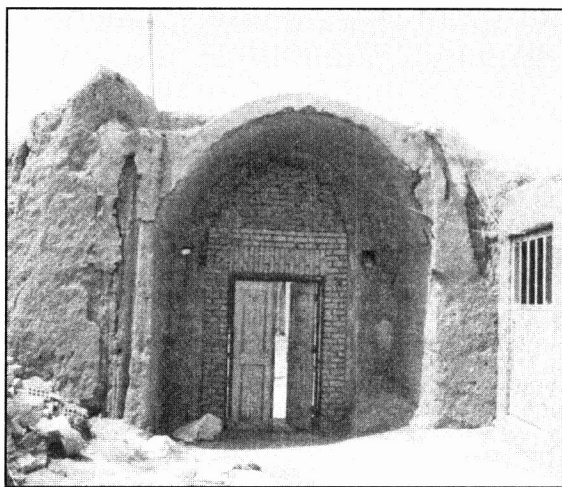
بررسی ها و پرس و جوهای محلی

به موازات سایر مطالعات و بررسی های علمی که در زمینه معماری و سایت پیرامون مسجد در دست انجام بود . کار مطالعه و پرس و جوهای محلی و مردم نگاری در مورد حال و هوای فرهنگی - تاریخی مسجد ده نو را در محلات زنده و امروزی ده آباد به صورت کاری جدی آغاز کردیم . این که امروزه مسجد و بافت پیرامونش خالی از سکنه و

عاری از حیات می باشد ، خود بزرگترین سؤالی است که در این زمینه بیش و پیش از هر چیزی خود نمایی می کند . بنابر این سعی شد با مصاحبه و پرس و جوهای محلی از افراد مسن تر محله (اززن و مرد تاکشاورز و پزشک) و به کمک نقل و قول ها ، داستانها ، یاد و خاطره ها و فرهنگ شفاهی و ذهن فرهنگی عمومی محله که سینه به سینه در اذهان و تارو پود خاطره جمعی محله نقش بسته ، شمایی هر چند مبهم اما قابل تعمق و راه گشا از حال و هوای کلی مسجد ترسیم کرد و با ایجاد پرسپکتیوی عمومی ، هر چند مبهم از کار ، به سراغ موضوع مورد پژوهش رفت و با این پشتوانه ذهنی به همراه سایر مطالعات و بررسی های میدانی و مانده های معماری موجود به باز شناسی علمی و دقیق مسجد همت گمارد .

این کار یعنی استمداد از مردم نگاری عمومی و جستجو در خاطرات و ذهن فرهنگی - تاریخی محله جهت بازشناسی و باز

درب امروزی مسجد متعلق به سال ۱۳۹۴ هـ ق می‌باشد که توسط بی بی گل وقف مسجد شده است. (عکس شماره ۱۱) طاق ضربی موجود فضای ورودی همزمان با نصب درب جدید بازسازی شده، اما در بازسازی ارتفاع سقف را پایین‌تر آورده و با دور نیم دایره^۸، به گونه‌ای سردستی (با خشت‌های جدید) پوشانده شده است. از این رو، ورودی امروزی مسجد، حقیر و بسیار نامتناسب بوده و نسبتی با تناسبات و شکوه و هندسه دقیق و بدیع بنا ندارد و حیثیت اصیل خود را از دست داده است. (شکل شماره ۴)



عکس شماره ۱۱- وضع موجود درب ورودی مسجد

اگر به نمای این بخش خوب دقت کنیم خطوط اصلی بشدت آسیب دیده قدیمی آن با الحاقات و بازسازی‌های غلط دوره‌های بعدی کاملاً قابل تشخیص می‌باشد. به نظر میرسد با توجه به باقیمانده ادامه ستونهای طرفین ورودی، که در بالا و پشت بام سقف باز سازی شده جدید، وجود دارد، ورودی می‌بایستی دارای قامت و رعنائی بیشتری بوده باشد.

پروژه «پرس و جواهرای محلی در خصوص مسجد ده نو و محوطه اطراف آن»، طاهره حسینی، اسفنجاری کناری، مرکز اسناد پایگاه پژوهشی میبد.
۸ - این تنها نمونه قوس نیمدایره ایست که در کل مجموعه مسجد مشاهده می‌شود.

خوانی خطوط و رگه‌های اصلی موضوع مورد پژوهش، بخصوص در سایت‌ها و محوطه‌های باستانشناسی به شرط تحلیل دقیق داده‌ها، کاری بسیار مهم و راهنمایی بسیار ارزنده می‌باشد. ضمن اینکه در مرمت و حفاظت یک اثر ارزشمند فرهنگی - تاریخی تعامل بین مرمتگر و مردم بسیار مهم و حساس است یعنی موضوع مرمت و حفاظت ابتدا در ذهن مردم بوجود آمده و بعد شروع به رشد کند و همگام با مرمت، مردم نیز به لحاظ فرهنگی، فرهنگ مرمت ارتقاء یابند. عبارتی دیگر با این کار موضوع مسجد، ابتدا در ذهن مردم رشد کرده و مرمت شده، بعد اقدام فیزیکی و اجرایی نمود، این کار خود مقدمه مناسبی جهت مشارکتهای مردمی در مرمت مسجد می‌باشد.^۷

خطوط بیرونی و نماهای اطراف مسجد :

امروزه محیط پیرامونی مسجد را نمای ساده و یکدست دیوار اصلی خشتی - گلی آن تشکیل داده که در نهایت سادگی، تنها فضای ورودی متمایز از سایر بدنه‌ها می‌باشد.

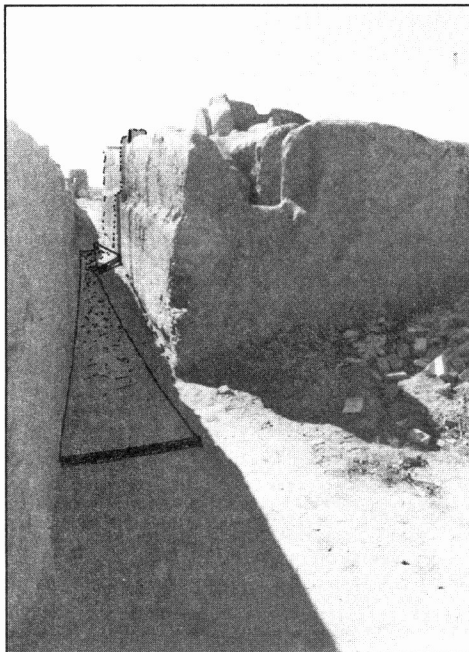
نمای اصلی ورود به مسجد :

آنچه از ظاهر امروزی این جبهه می‌توان دریافت اینکه، به غیر از اتافک کوچک جدیدی که از آن جهت انباری و قراردادن آبسردکن استفاده می‌شود، تنها پس نشستگی ورودی است که در میانه این نما واقع شده است. بخش شرقی این نما تا کوچه کناری همین جبهه ادامه داشته و بخش غربی آن به اتاق الحاقی متأخر ختم می‌شود.

ورودی اصلی بنا :

با دهانه ۳۲۰ و به اندازه ۱۵۰ سانتی متر از تراز و بر اصلی نمای ساده آن عقب نشسته است. امروزه شواهدی از یک سکو در بخش غربی درگاه ورودی دیده می‌شود که از جنس خود زمین می‌باشد، به احتمال قوی در طرف مقابل آن نیز وجود داشته است این فضا به دلیل تخریب پوشش و آسیب دیدگی شدید در دوره‌های اخیر، مرمت و بخش‌هایی از آن نوسازی شده است

۷ - به دلیل طولانی شدن مطلب، مشروح پرس و جواهرای محلی در این بخش حذف شده است. برای مطالعه بیشتر در این زمینه مراجعه شود به



عکس شماره ۱۲- حصار شرقی مسجد مشرف به کوچه

درب امروزی مسجد :

امروزه در جایگاه درب اصلی مسجد، درب چوبی نسبتاً جدیدی وجود دارد که با رنگ آبی فیروزه‌ای کمرنگ پوشیده شده است. بر روی آن با خط خوش نستعلیق نوشته شده :
«وقف نموده حاجی بی بی گل فرزند ابوطالب حمزه علی بر مسجد ده نو (لنگه سمت راست) ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۹۴ (لنگه سمت چپ)

این در همزمان با آخرین تعمیرات فضای ورودی مسجد وقف شده و در محل نصب گردیده است ، بنابراین از درب اصلی مسجد اطلاع دقیقی در دست نیست ، ولی احتمال اینکه به مرور فرسوده شده و موربانه خورده باشد، وجود دارد . بعدها هنگام تجدید بنای مسجد جامع ده آباد ، درب قدیمی آن را به مسجد خرابه ده نو منتقل کرده‌اند که هنگام بازدید آقای ایرج افشار فقط یک لنگه آن به تاریخ ۹۷۴ هـ ق در محل موجود بوده که آن نیز از بین رفته است .

ورودی شرقی مسجد :

این ورودی منطبق بر محور شرقی - غربی مسجد است که از طریق کوچه شرقی به مسجد راه می‌یابد فضای این ورودی که فرعی می‌باشد، دارای دهانه‌ای به عرض حدود ۱/۸۰ متر و با عمق حدود ۶۰ cm است و با یک در گاهی به عرض ۱۰۰ cm به داخل مسجد هدایت می‌شود. پوشش این فضا کاملاً تخریب شده و بر اساس آنچه باقیمانده یک عدد خشت پالونه و داغ و سایه طاق بر جای مانده آن ، به نظر دارای کشیدگی نسبتاً زیادی بوده است، درگاه و ورودی به طرز رضایت بخشی سالم مانده و امروزه از درب آن خبری نیست و دهانه آن راجدیداً با آجرهای قزاقی کور کرده‌اند . (شکل شماره ۶)

نمای بیرونی جبهه جنوبی مسجد (پشت قبله)

دیوار این بخش که امروزه بلافاصله پس از یک پون^۹ حدود یک متری چسبیده به یک کرت کشاورزی می‌باشد. نمای این بخش بسیار آسیب دیده و به خصوص در جبهه غربی این نما ، یعنی پشت فضای گرمخانه و اتاق گوشواره همین

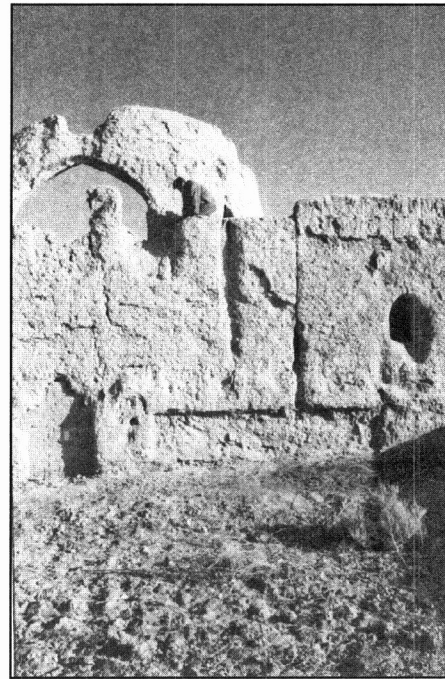
نمای شرقی بیرونی مسجد :

نمای بیرونی دیوار مسجد در بخش مشرف به کوچه شرقی ، بسیار ساده ، بلند و یکدست می‌باشد . در کمر دیوار در ارتفاع حدود ۲/۵۰ cm یک خشت پس نشسته و از ضخامت مغز دیوار در بخش‌های فوقانی آن کاسته شده است این مسئله در دیوارهای جنوبی پشت مسجد نیز دیده می‌شود . (عکس شماره ۱۲)

این یک امر کاملاً سازه‌ای می‌باشد که دیوار مسجد در تراز بالاتر از پاکار تو یزه‌های داخل ، لاغرتر شده و سنگینی جرز بالایی به سمت داخل متمایل شده است. اما، آیا جهت تقویت نقش سازه‌ای و پشتبند مسجد در این بخش سابط نیز وجود داشته یا نه ؟ چون دیوار طرف مقابل کوچه و حتی زمین آن دچار تغییرات شدید شده و کاملاً تغییر ماهیت داده است ، قابل پیگیری نمی‌باشد .

۹ - مرز و حریم دیوار که معمولاً در زمین‌های کشاورزی نسبت به سایر بخشهای زمین مرتفع تر بوده تا آب بر آن سوار نشود.

سمت، اثری از دیوار منتهای مسجد دیده نمی شود و با زمین های کشاورزی اطراف همسطح شده است اما میانه های این نما و جانب شرق آن از سلامت نسبی بهتری برخوردارند و بیشتر قابل استناد و استفاده جهت شناسایی و بازخوانی این نما می باشد. (عکس شماره ۱۳)

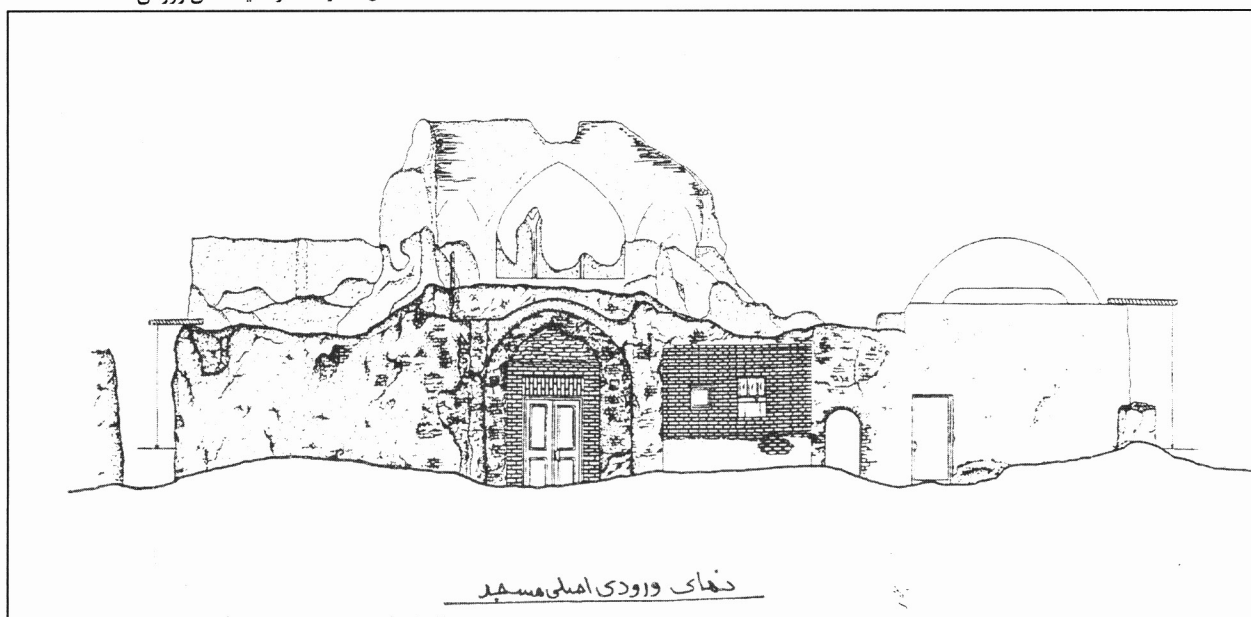


عکس شماره ۱۳ - جبهه پشت به قبله مسجد

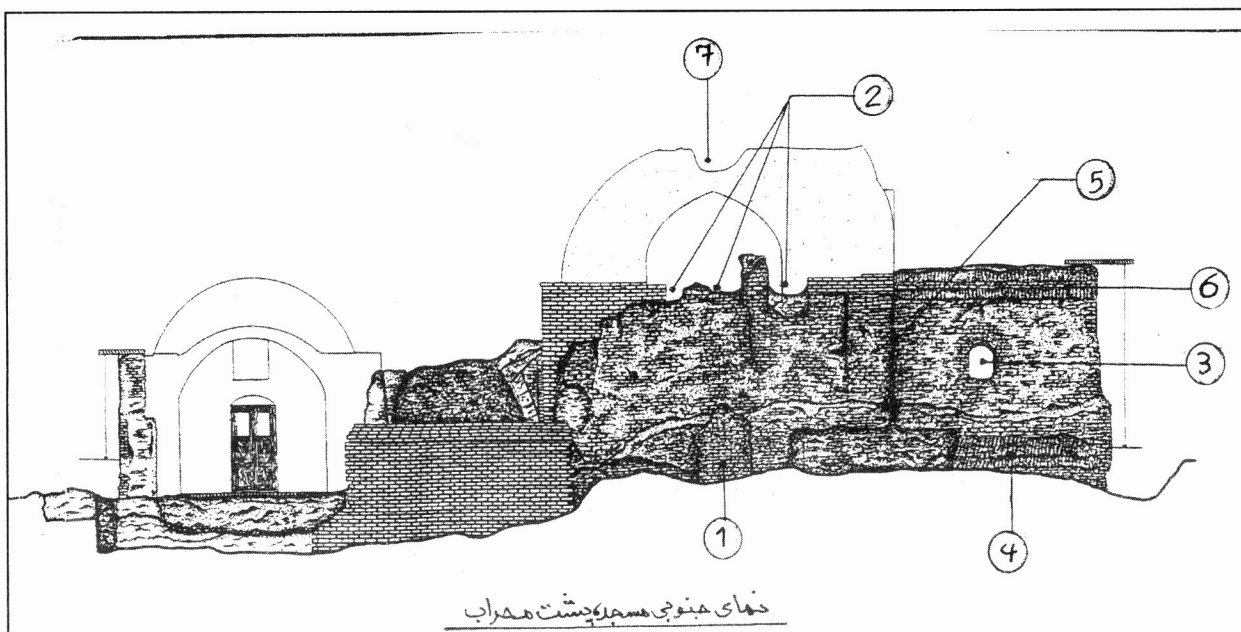
نکات قابل توجه در این نما : (شکل شماره ۵)

- ۱- دقیقاً در مرکز دیوار منتهایی محراب یک درگاهی وجود دارد که بعدها پرشده است و از جانب پشت محراب کاملاً مشهود است .
- ۲- شواهدی از وجود سه پنجره در بالای فضای محراب از جانب پشت، قابل شناسایی است که به نظر جهت نوردهی فضای محراب تعبیه شده و قابل مقایسه با مساجد این دوره در میبد به خصوص مسجد رکن آباد و مجموعه بندرآباد می باشد.
- ۳- در جناح شرقی یک پنجره کوچک در ارتفاع پایینتر قرار گرفته که نور اتاق گوشواره شرقی گنبد خانه را تأمین می کرده و به احتمال قریب به یقین می بایستی در بخش غربی نیز به قرینه آن وجود داشته باشد .

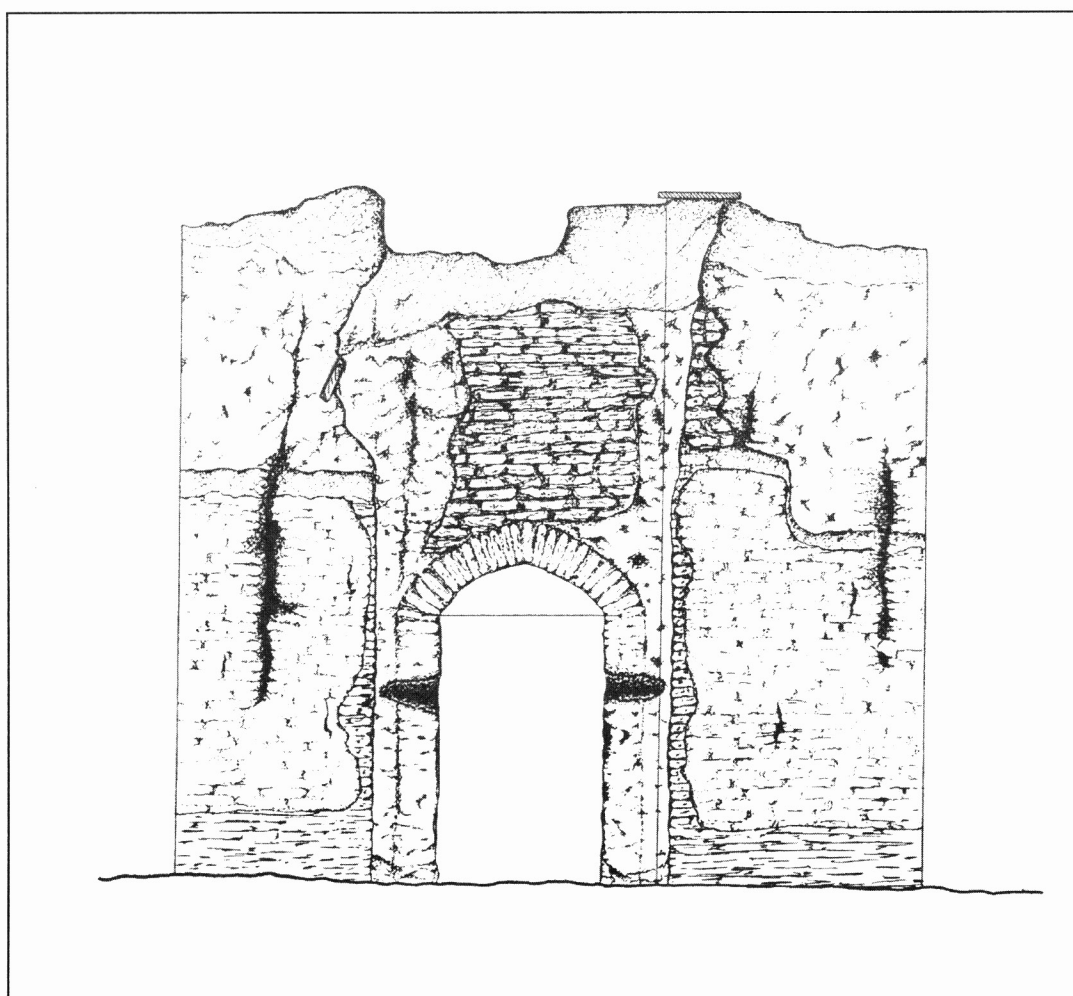
شکل شماره ۴ - وضعیت نمای ورودی



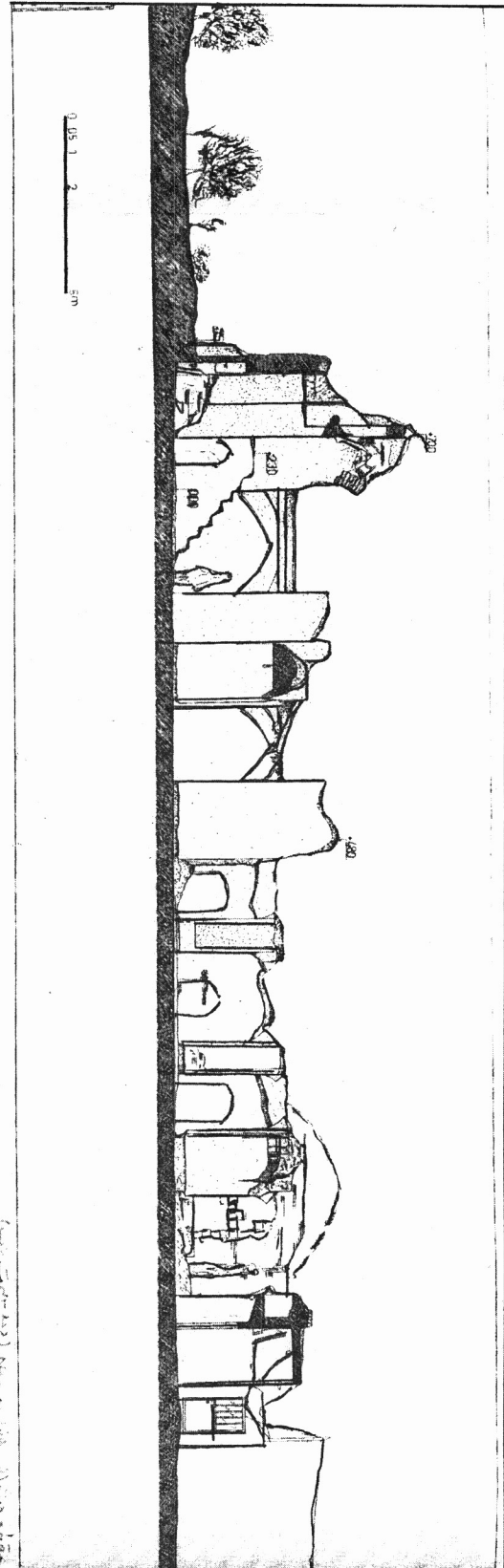
نمای ورودی اصلی مسجد



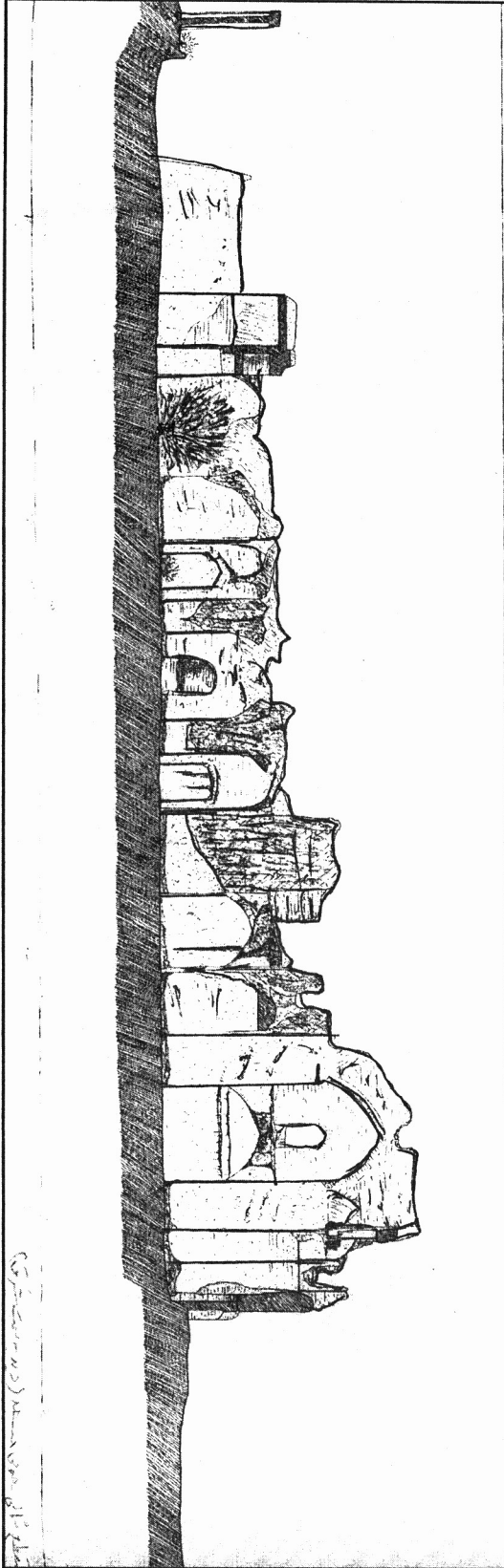
شکل شماره ۵- نمای پشت محراب مسجد

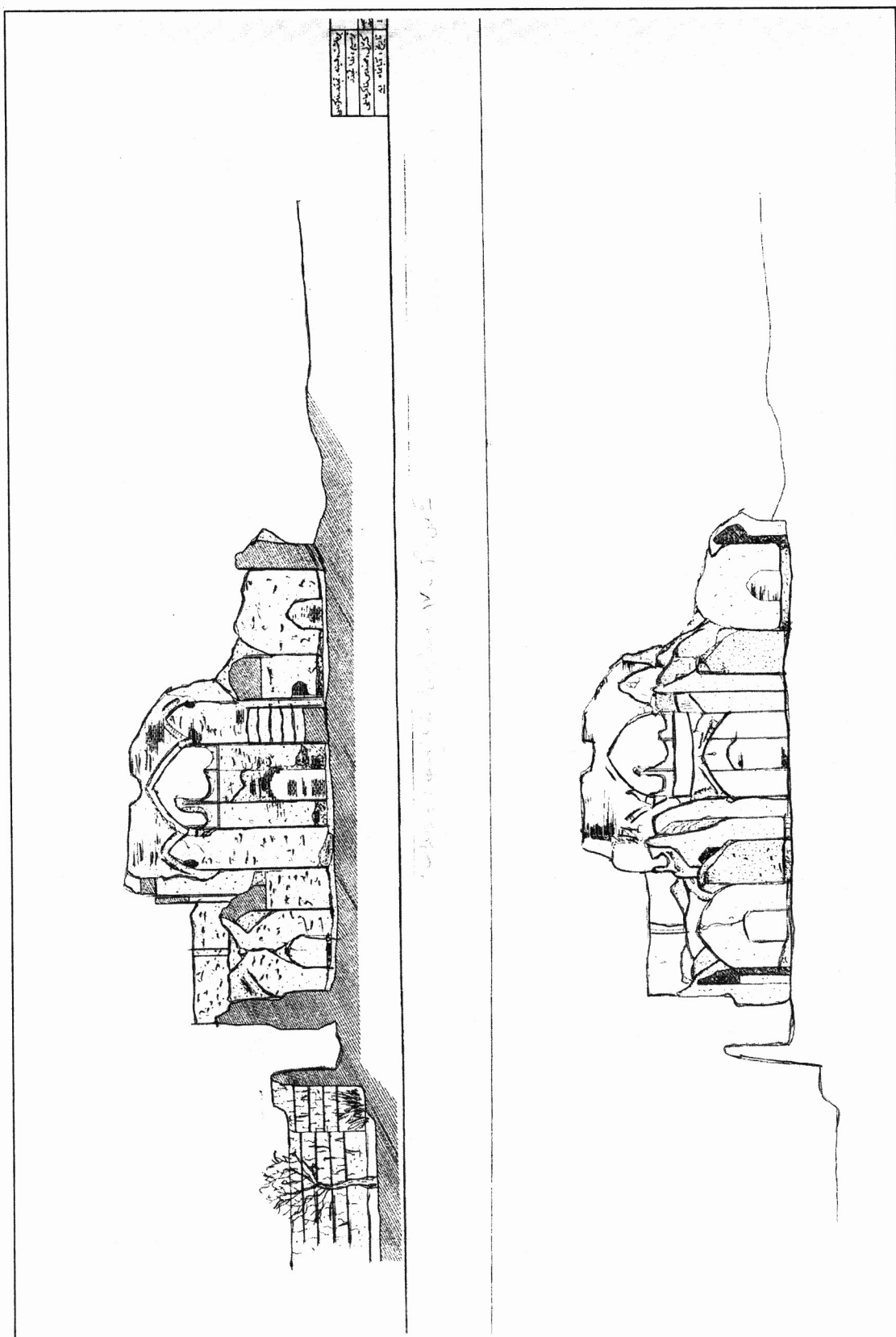


شکل شماره ۶- نمای سردر شرقی مسجد



شکل شماره ۷ و ۸ - نما مقطع شمالی - جنوبی مسجد (دید به غرب) و (دید به شرق)





شکل شماره ۹-الف - مقطع عرضی از حیاط (دید به جنوب) و ب-
مقطع عرضی گنبدخانه مسجد (دید به جنوب)

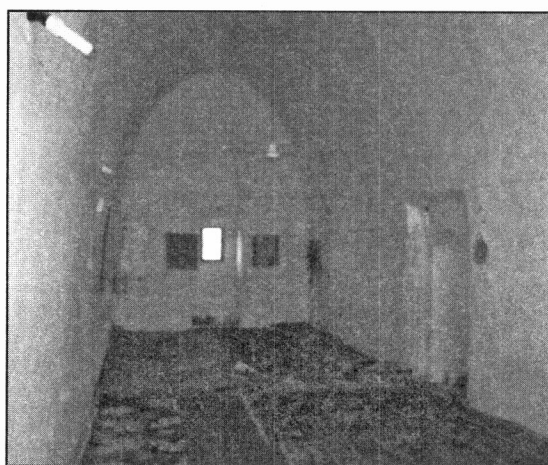
۴- در بخش زیرین همین جناح شرقی نما، داغ و پاکار یک طاق ضربی دیده می‌شود که دقیقاً از کنار محراب شروع شده و تا انتهای شرقی این نما ادامه پیدا می‌کند، به نظر می‌رسد اتاقی در این بخش وجود داشته و تخریب شده است که می‌بایستی جهت روشن شدن وضعیت در این بخش کاوش باستانشناسی، آن صورت گیرد ضمن اینکه شواهدی از یک ناودان قدیمی در همین بخش موجود است. که رد و سایه فرسایش آن در میانه‌های این نما، تمام شده که نشان می‌دهد، آب این ناودان به پشت بام فضای جانبی (از میان رفته) هدایت می‌شده است. تنها نمونه فضای جانبی پشت محراب از این دست در مسجد قدیمی ابراهیم آباد می‌دیدیده شده است. (عکس ۱۴)

۵- یک درز عمودی، دقیقاً حد فاصل پی گنبد خانه و اتاق کناری (شرقی) آن در نمای پشت، قابل رویت است، که از بالا تا حدود پاکار طاق گوشواره ادامه دارد. در ابتدا به نظر می‌رسید که گنبد خانه، دارای ساختار مستقل و استقلال سازه‌ای بوده، ولی با بررسی‌های بیشتر مشخص شده که این درز به خاطر تقدم و تأخر در ساختن جرزها بوجود آمده و به احتمال قوی به دلیل اختلاف پا کار اتاق گوشواره و بشن گنبد خانه می‌باشد.

۶- در قسمت‌های فوقانی جبهه شرقی همین نما از خشت بصورت هره و به حالت غیر باربر چیده شده که این در بناهای میبد زیاد دیده می‌شود. هر جا نیاز به دیوار باربر نبوده برای صرفه جویی در مصالح و زمان اجرا، از انواع مختلف چیدمان‌های غیر باربر و مجوف استفاده می‌شود

۷- بقایای اندکی از گنبد بر فراز این نما باقی مانده است که به نظر می‌رسد در مرکز آن یک نورگیر وجود داشته که جایگاه و ابعاد و اندازه آن کاملاً قابل درک می‌باشد.

از جداره خارجی مسجد در بخش غربی به غیر از بقایای یک جرز سر تاسری (شمالی-جنوبی) که در عمق زمین در اثر کاوش باستان‌شناسی بدست آمده هیچ اثر دیگری نمی‌باشد. در واقع امروزه چهره بیرونی این بخش را دیوار داخلی (شرقی) گرمخانه تشکیل می‌دهد که بخش‌های از بقایای قوس و طاق گرمخانه بر روی آن نمایان می‌باشد. (که در بخش گرمخانه به آن اشاره می‌شود).



عکس شماره ۱۴- اتاق پشت محراب مسجد ابراهیم آباد میبد

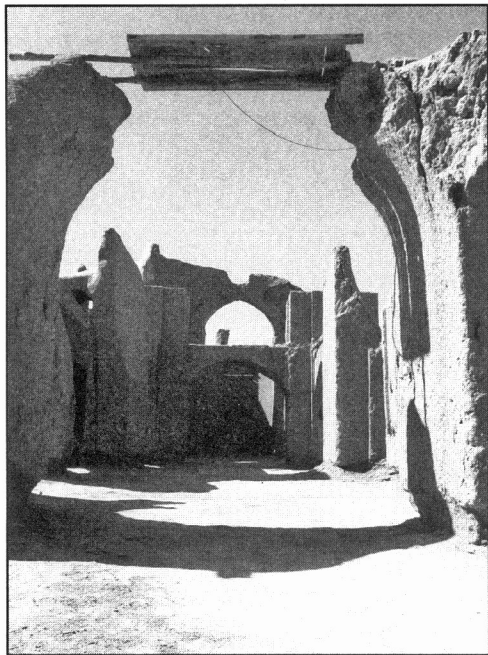
فضاهای معماری :

الف - حیاط: صحن

یکی از ویژگیهای مهم این مسجد، حیاط مستطیل شکل کوچک آن می‌باشد که در محور طولی کشیده شده و تقریباً هم عرض با فضای گنبد خانه است. در گونه‌های مشابه آن نظیر مسجد جامع فیروز آباد میبد (۸۶۶ ه. ق)، مسجد جامع بفروئیه میبد (۸۷۹ - ۸۶۶ ه. ق) و مسجد جامع ابرندآباد (قرن نهم هجری) نیز صدق می‌کند در واقع سه فضای اصلی گنبد، ایوان و حیاط به یک عرض در درون مستطیل کشیده مرکزی محاط شده‌اند. (شکل شماره ۱۱)

ابعاد حیاط مسجد ده نو ۷/۷۵ × ۵/۵۰ متر بوده و بسیار کوچک است. علت اینکه حیاط این مسجد و نمونه‌های مشابه آن کوچک است، دقیقاً مشخص نیست ولی شاید بتوان به این

ساده و زیبا بوده که بخش‌های زیادی از چهره اصلی آن از بین رفته است. (شکل‌های شماره ۷ و ۸)



عکس شماره ۱۵ - حیاط، ایوان و راسته اصلی شمالی جنوبی مسجد

ایوان

ایوان فضایی است کم عمق، با پلان مربع شکل به ابعاد حدود $4/5 \times 4/5$ متر که امروزه بخش فوقانی آن کاملاً تخریب شده و همانند سایر فضاها از سقف و پوشش آن خبری نیست. (شکل شماره ۹-الف)

ایوان فضایی است نیمه باز یا حیاطی است مسقف که تقریباً تمام عرض حیاط را به خود اختصاص داده است، این فضا از جانب شمال با حیاط آمیخته، در واقع مکمل فضای حیاط می‌باشد. از سوی جنوب نیز با بدنه شمالی گنبد خانه مرز مشترک داشته و به آن می‌پیوندند به این لحاظ ایوان به عنوان پیش فضا و مقدمه ورودی به هسته مرکزی مسجد محسوب می‌شود این فضا از جانب شرق و غرب نیز به رواق‌های جانبی مسجد راه می‌یابد بنابر این ساختار وبدنه اصلی فضای ایوان را ستونهای قوی جبهه شرقی و غربی آن تشکیل داده، که خود

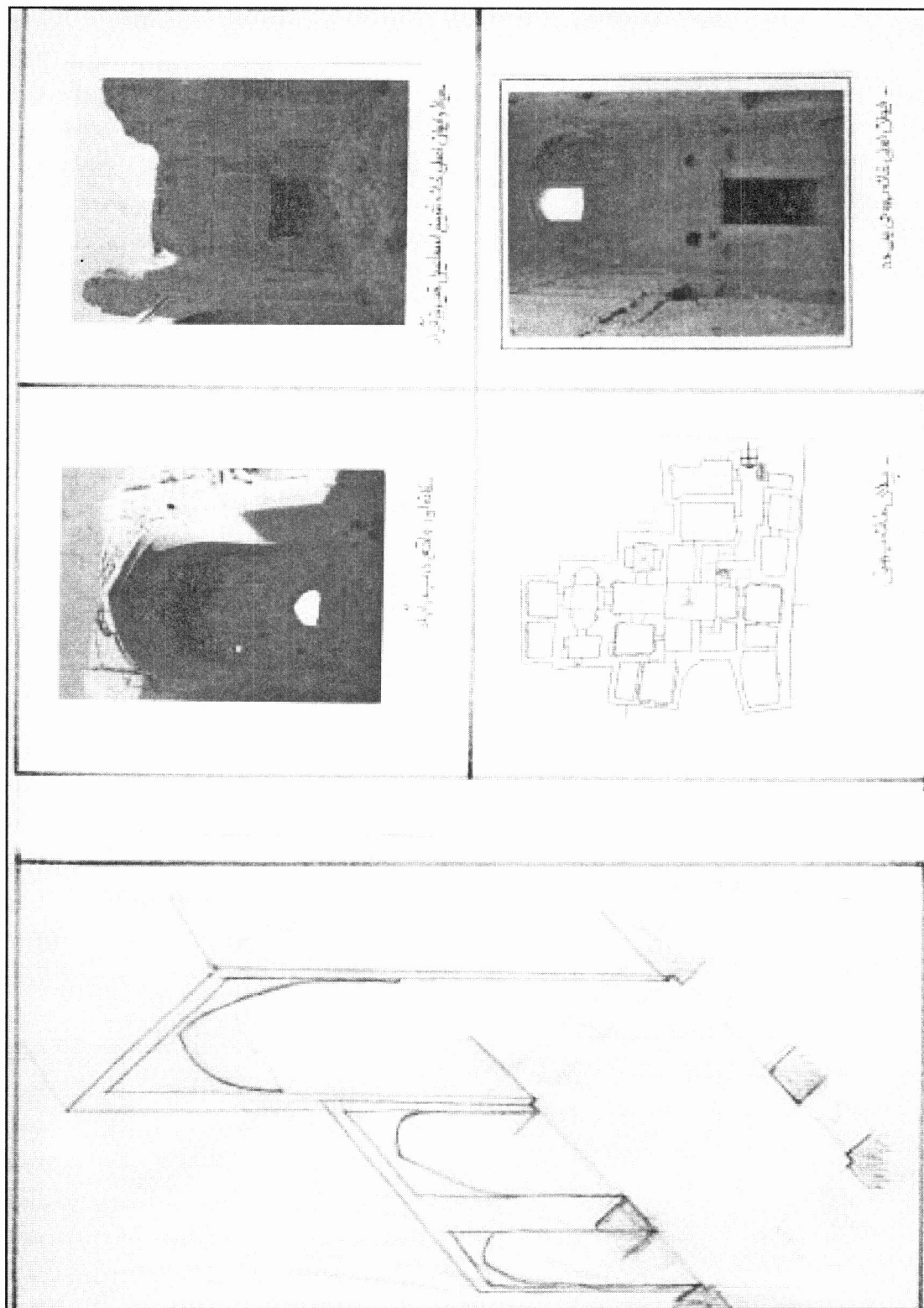
موضوع اشاره کرد که این مساجد معمولاً به عنوان مسجد جامع درون محله‌ای بوده و بعنوان مسجد جمعه که پذیرای جمع کثیری از مردم و اهالی محلات دیگر شهر باشد، عمل نمی‌کرده است. به همین دلیل حیاطی کوچک و متناسب با سایر فضاها، مسجد داشته است. جالب است که حیاط خانه‌های مسکونی همزمان با آن در میبند، بسیار کوچک و دارای مشابهت‌های زیادی با حیاط مسجد می‌باشد به عنوان نمونه، خانه برونی میبند- خانه کدخد(کنار مسجد جامه بفروئیه میبند) خانه رفیعی‌ها در محله فیروز آباد میبند و نمونه‌های دیگر از این دست، دارای حیاطی کوچک مستطیل شکل با امتدادی، در جهت شمالی - جنوبی (قبلی) بوده، و تمام عرض جنوبی حیاط را تالار و ایوان بلند رفیع خانه تشکیل داده است. جانب شمالی حیاط این خانه‌ها معمولاً یک ایوان کوتاه‌تر اما با همان عرض حیاط و جبهه طرفین شرقی و غربی آن هریک دارای دو دهانه، یکی بزرگ و دیگری کوچکتر می‌باشد. ورود به بنا نیز معمولاً از طریق همین دهانه کوچک به حیاط صورت می‌گرفته است.^{۱۰} (شکل شماره ۱۰)

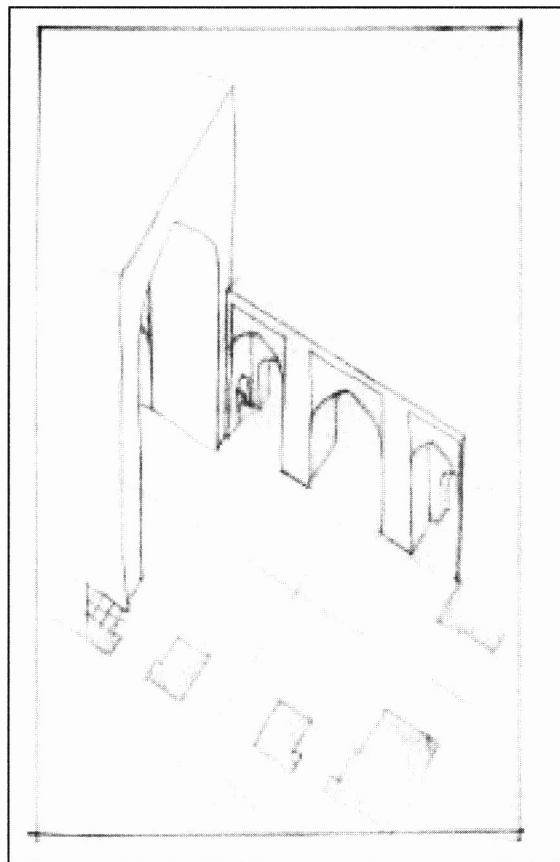
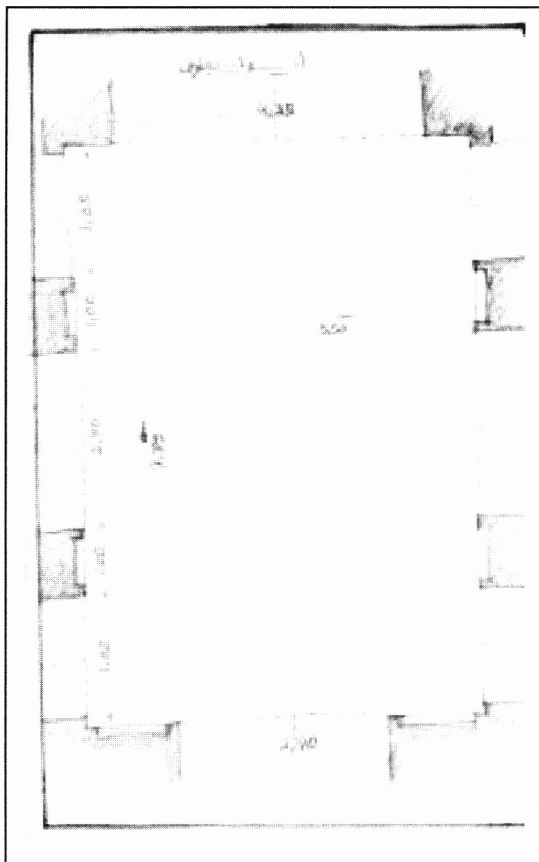
فضای حیاط مسجد از جانب جنوب با فضای نیمه باز ایوان اصلی مسجد که از هر سو حدود نیم متر کوچکتر از آن است به هم می‌آمیزد. به نظر می‌رسد سیمای ایوان بر افراشته مقصوره، عالیترین و با شکوه‌ترین نمای حیاط بوده و جبهه‌های شرقی و غربی حیاط بواسطه طاقان‌های سه گانه احاطه گردیده است. از سوی شمال دارای یک دهانه نسبتاً بزرگتر از سایر دهانه‌های جانبی حیاط بوده که مستقیماً با ورودی اصلی در ارتباط می‌باشد. به احتمال قوی این نما اندکی برجسته‌تر از دو نمای شرقی و غربی بوده است. (شکل شماره ۱۲ و ۱۳)

جبهه شرق و غرب حیاط هر یک به سه دهانه تقسیم شده، دهانه میانی آن عریض‌تر می‌باشد که خود حالتی از مساجد چهار ایوانه را تداعی می‌کند این دو دهانه بزرگتر میانی، یکی به درگاهی ورودی فرعی مسجد و دیگری به ورودی گرمخانه مستقیماً راه می‌یابد که خود محور شرقی و غربی مسجد رادر مرکز حیاط تعریف کرده است. نمای حیاط دارای پرداختی

۱۰- مطالعه و پژوهش در زمینه خانه‌های سبک مظفری میبد انجام شده است. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: پژوهش مسکن مظفری میبد.

۱۰- مطالعه و پژوهش در زمینه خانه‌های سبک مظفری میبد انجام شده است. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: پژوهش مسکن مظفری میبد.





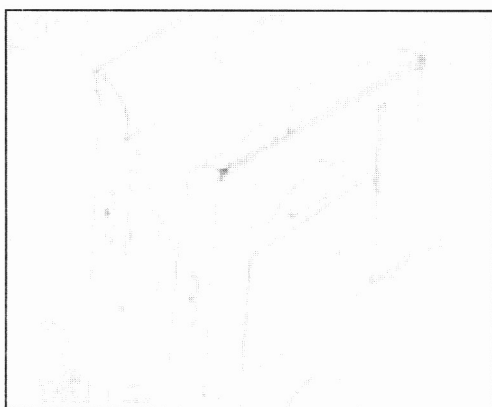
شکل شماره ۱۲-تناسبات دهانه‌های سه گانه صحن مسجد

شکل شماره ۱۳- حیاط مسجد جامع ده نو



عکس شماره ۱۶ - چهره امروزی ایوان و گنبد مسجد

صحن باز با رواقهای آزاد دور تا دور آن ایوان نیمه باز با کشیدگی و دریدگی رو به شمال، گنبد خانه دلباز و مجوف مسجد، سلسله فضاهای تابستانه مسجد بوده، که علاوه بر نحوه ترکیب و طراحی بدیع و با شکوه آن باعث تشدید تهویه هوا و تعدیل دمای فضای مسجد می شود. ارتفاع ایوان خانه های مسکونی همزمان با مسجد (در میبد) نیز بسیار رفیع و کشیده می باشند به نوعی که خود حکم بادگیر را داشته است.^{۱۱} (شکل شماره ۱۰)

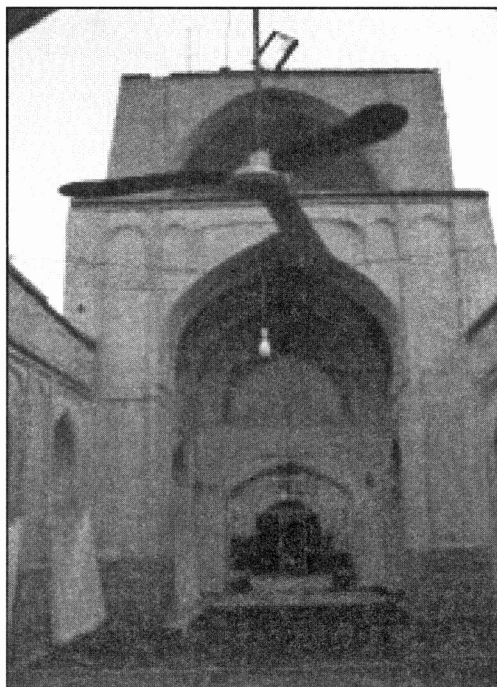


شکل شماره ۱۴- مؤذنه با لای ورودی مسجد علی بفرویه

گنبد خانه:

هسته مرکزی مسجد را اتاق مربع شکل $۵/۵ \times ۵/۵$ متر تشکیل داده که بر فراز آن گنبد نسبتاً رفیعی وجود داشته که امروزه بخش های زیادی از آن از بین رفته است کف اصلی مسجد بر اساس سونداز انجام شده، حدوداً ۶۰ سانتی متر پایین تر از کف فعلی است. (عکس شماره ۲۲) هسته مرکزی مسجد دارای چهار پایه ستبرخشی بوده، که در ناحیه انتقال، چهار تویزه رومی قوی آنها را بهم بسته است و شمایی از یک چهار طاقی بلند را عرضه می کند. مابین چهار تویزه اصلی در گوشه های چهارگانه، هر یک تویزه های کوچکتر را شامل شده که بر روی گوشه سازی (به روش طاس) نشسته، پا دریای تویزه های اصلی چهار گانه گذاشته است. (شکل شماره ۱۸)

۱۱- به نظر می رسد که این ایوان های رفیع و عمارت باد گیر را می توان مقدمه و پیشینه بادگیرها ی پیشرفته تر در دوره های بعد دانست

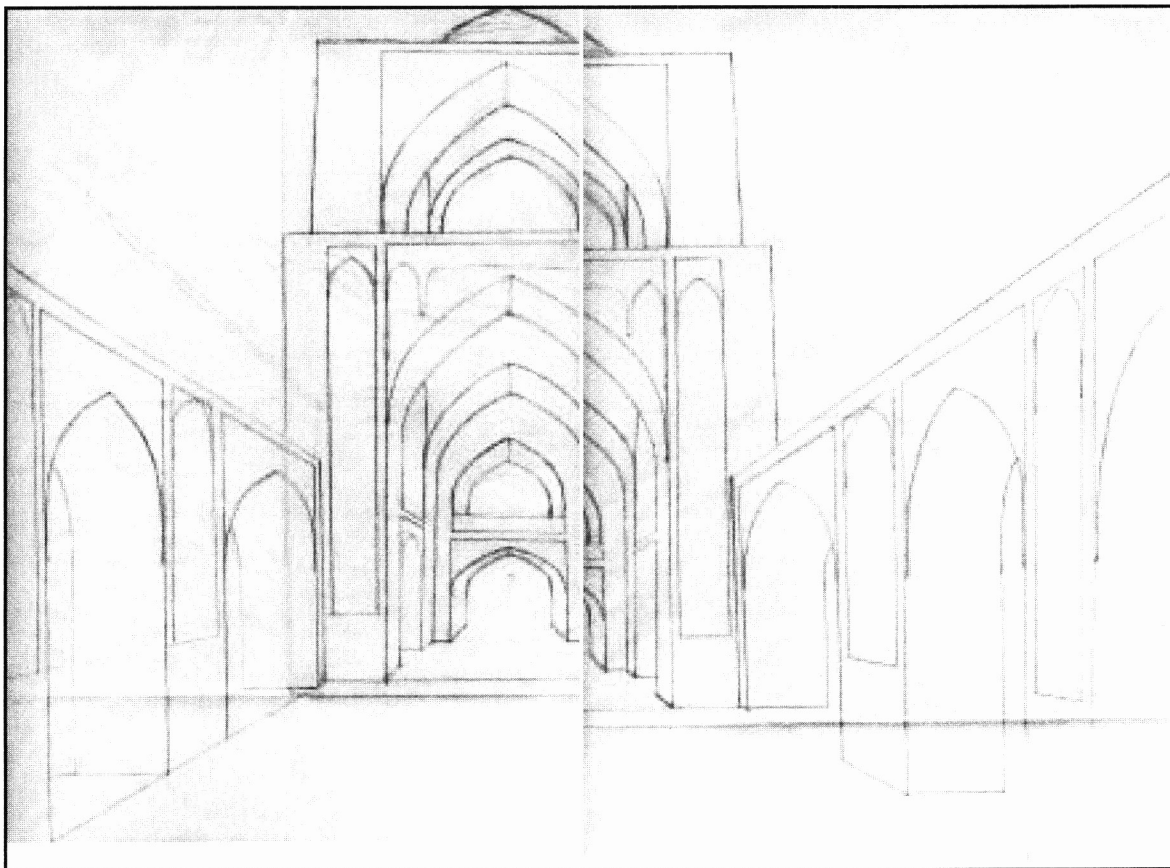


عکس شماره ۱۷- حیاط و ایوان مقصوره مسجد جامع بفرویه

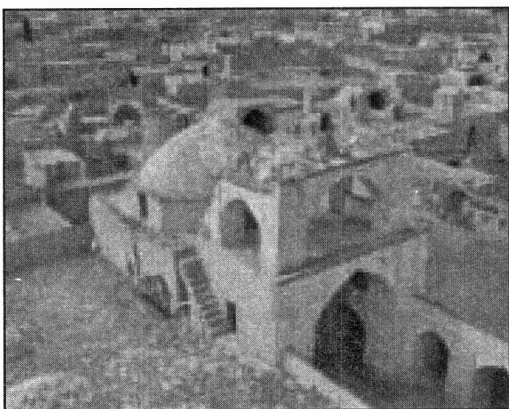
دارای ساختاری دوطبقه و زیبا بوده است. راه دسترسی به طبقه بالا (غرفه ها) نیز در داخل ستونهای ایوان تعبیه شده است. (عکس شماره ۱۶).

به نظر می رسد که این ایوان می بایستی همانند نمونه های مشابه خود (جامع بفرویه - جامع فیروزآباد - جامع ابرند آباد) و نیز بر اساس سبک محلی معماری منطقه، دارای قامتی کشیده و رفیع باشد و فضای ایوان اصلی بنا می بایستی نماینده ایوانهای رفیع و عمارتهای بلند معماری این دوره باشد، ضمن اینکه حضور نیمه طبقه دوم در فضای ایوان خود ارتفاع نسبتاً زیاد آنرا تصدیق می کند. اینکه آیا بر بالای ایوان فضایی بعنوان مأذنه، (همانند جامع بفرویه) وجود داشته یا نه مشخص نمی باشد و به علت تخریب کامل بخش های فوقانی بنا قابل ردیابی نیست (عکس شماره ۱۷ و شکل شماره ۱۴)

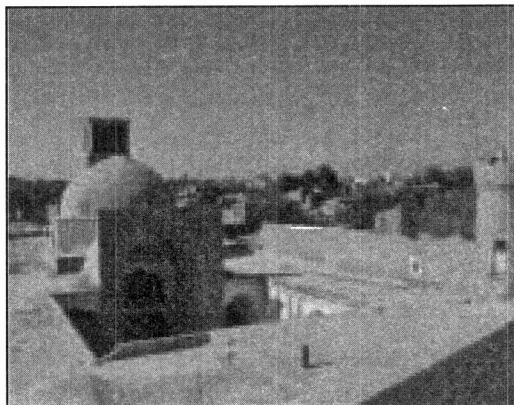
ایوان بلند مساجد این دوره خود حکم بادگیر و تهویه هوا را نیز داشته است. به طوری که بخش های مختلف شبستان تابستانی مسجد دارای فضاهای باز و نیمه باز و مجوف می باشد.



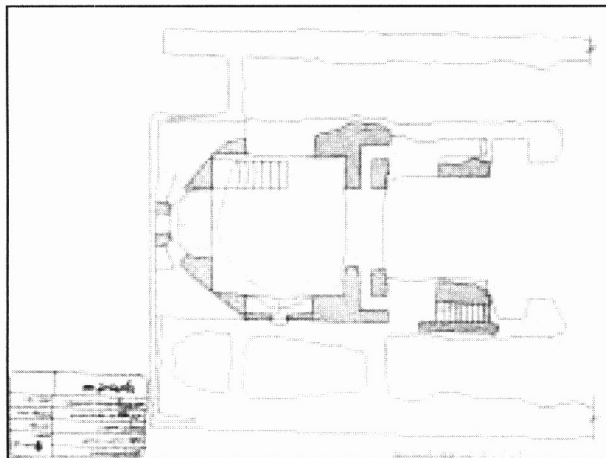
شکل شماره ۱۵- صحن باز و ایوان و گنبد خانه مسجد جامع بفروئیه



عکس شماره ۱۹- ترکیب فضایی حیاط، ایوان، گنبد خانه و گلدسته و بادگیر مسجد جامع بفروئیه



عکس شماره ۱۸- حیاط، ایوان، گنبد خانه، بادگیر روی محراب و منار گلی مسجد جامع فیروز آباد



شکل شماره ۱۷- پلان طبقه دوم مسجد

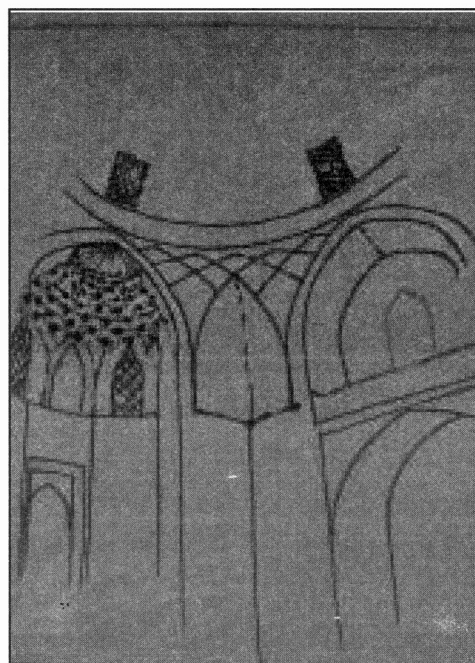
به گواه بقایای قوس بر جای مانده، می توان تجسم کرد که گنبد به خاطر تکمیل خطوط معماری، تناسبات و نمای داخلی و همچنین نمود و نشان خارجی، می بایستی دارای خیز نسبتاً زیاد و انحنای کامل بوده باشد. (عکس‌های شماره ۱۸ و ۱۹)

گنبد خانه تنها از سوی جنوب به فضای مشخص محراب محدود شده، از سه سوی دیگر با فضاهای رواق جانبی و ایوان اصلی ترکیب شده است. نیز در همین جبهه مابین چهار پایه اصلی گنبد خانه کمر پوش شده و تشکیل نیمه طبقه فوقانی را در لابلای مغز خشتی گنبد خانه و ایوان داده است. از این رو گنبد خانه در مقام یک سایه بان بزرگ و با شکوه عمل می کرده است. این یکی از ویژگی‌های بسیار بارز و برجسته مساجد این سبک می باشد که عموماً دارای فضاهای کوچک و نغزی در لابلای جزر و ساختار گنبد خانه و ایوان می باشد این غرفه‌های فوقانی معمولاً در جزرهای شرقی و غربی گنبد خانه و ایوان واقع شده است. (شکل شماره ۱۷) و (عکس شماره ۲۰)

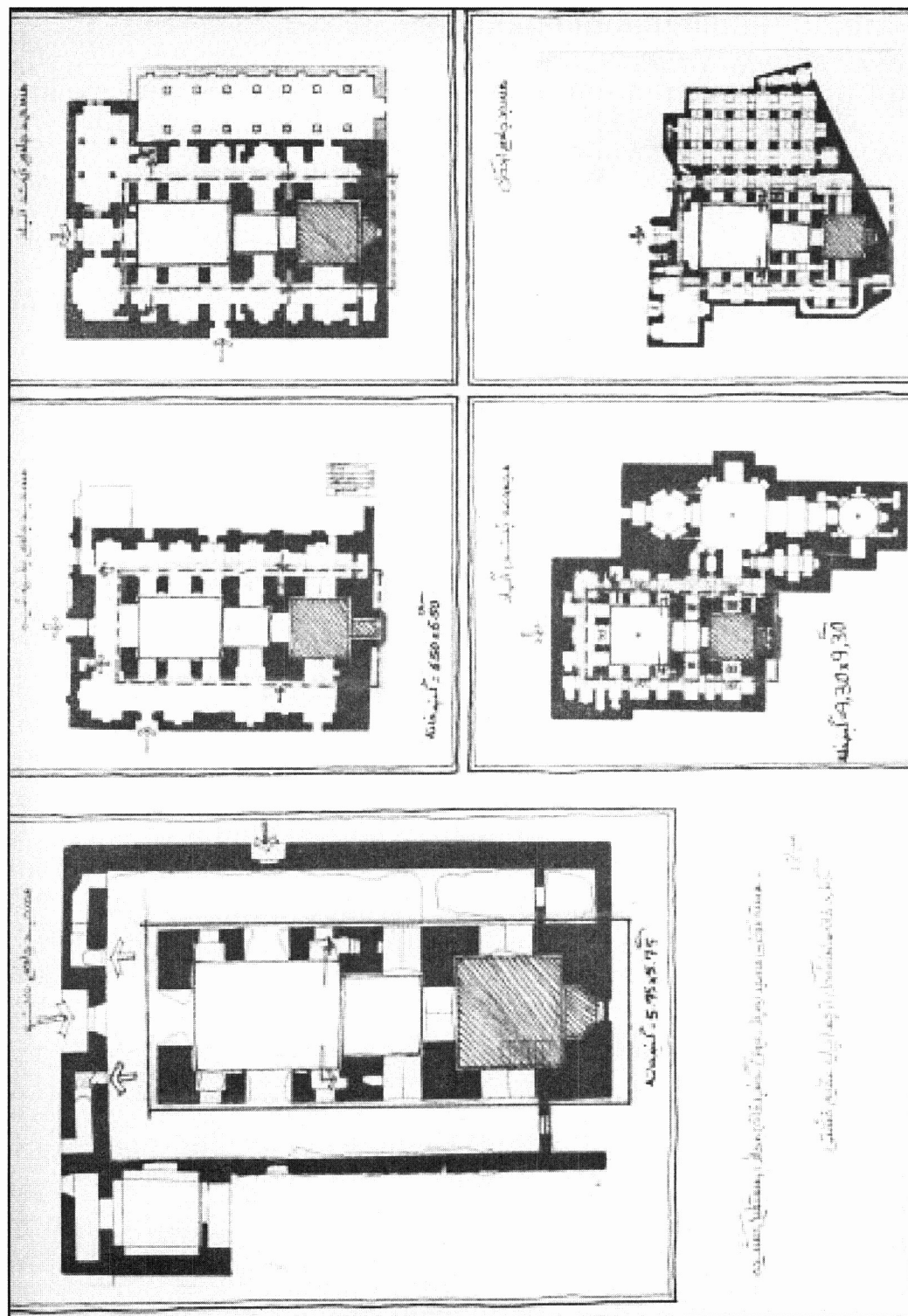
دسترسی به غرفه‌های بالا در این مسجد، دو پلکانی است که در جزرهای جانبی ایوان اصلی بنا تعبیه شده و از طرف گوشه جنوب غربی و شرقی حیاط به آن راه می یابد (همانند مسجد جامع بندرآباد - مسجد جامع اردکان و..)

بدین ترتیب بشن مربع شکل اطاق در این ناحیه تبدیل به هشت گوش شده و تشکیل یک رینگ و کلاف افقی قوی، جهت استقرار گنبد بر فراز آن را داده است.

به استناد بقایای موجود، گنبد تک پوسته بوده و ضخامت مغز خشتی آن در پای کار به دو و نیم خشت (حدود ۶۵ سانتی متر) می رسد و چهار نورگیر کوچک در ساقه گنبد جهت تامین نور تعبیه شده بود. (شکل شماره ۱۶)



شکل شماره ۱۶- گنبد خانه مظفری مسجد جامع ابرند آباد - بدنه مجوف و سبک بارویه‌ای عموماً گچی، فضایی دلباز و پر نشاط با ساختاری قائم به طاقانهای عموماً هشت گانه، گنبدی متناسب و نسبتاً پر خیزتر بر بالای آن می باشد. فضای گنبد خانه این دوره اندکی به سمت پرداخت و نماکاری با گچ، کاه گل و کاشی و یا ترکیبی از آن سوق یافته و اندام آن به سمت پوسته‌ای شدن تمایل پیدا کرده است و از تزئینات جسمی ساختارهای سلجوقی، فاصله گرفته، ضمن اینکه به نظر می رسد خود گنبد، مهارت و استحکام ساختمانی گنبدهای قبلی را ندارد.



شکل شماره ۱۸- هسته مرکزی مسجد (گنبدخانه) متشکل از چهار پایه عظیم خشتی

در برخی از مساجد دیگر نظیر مسجد جامع بفروئیه و مسجد جامع ابرزد آباد، دو پلکان فوق در داخل دو پایه اصلی شمالی گنبد خانه تعبیه شده است. (شکل شماره ۱۸)

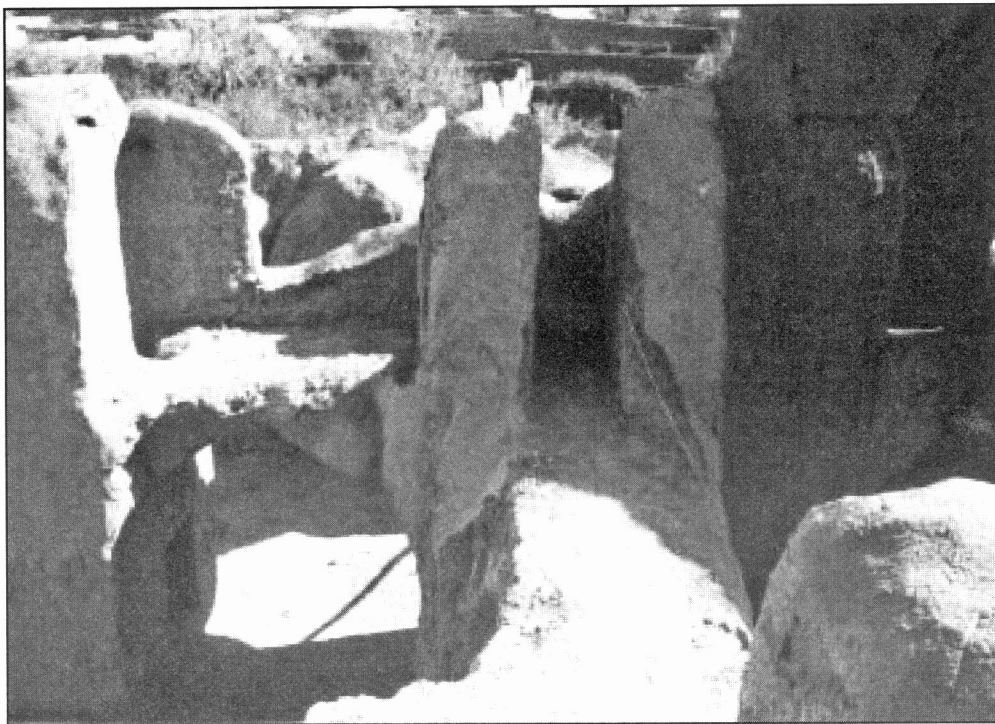
آنچه به عنوان تخلخل سازه در معماری ایلخانی خوانده شد در این تیپ مساجد به شکل بارز و باشکوهی نمایان است: بنابراین ترکیب و کیفیت فضایی مجوف و سبک گنبد خانه و ایوان به همراه غرفه‌های زیبا و دلچسب فوقانی آن تا حد زیادی یادآور عمارت‌های شاه نشین و کوشک می‌باشد. (شکل شماره ۱۶)

این غرفه‌ها به احتمال زیاد مختص استفاده زنان بوده و از غرفه مرکزی ایوان به عنوان قرائتخانه نیز استفاده می‌شده است از جان پناه این غرفه‌ها و اینکه آیا از نوع گچی، چوبی و یا کاشیکاری بوده اطلاع دقیقی در دست نیست.

در برابر تابش مستقیم آفتاب، عملکرد عبادی و وظیفه تکمیل عملکردهای پلان را نیز بر عهده داشته است.

رواق‌های سر پوشیده به خصوص در ناحیه حیاط ارزش تزئینی نیز دارند لیکن کارکرد سازه‌ای و ساختمانی آن به ویژه در طرفین هسته مرکزی و ایوان که رفیع و بر افراشته‌تر از سایر فضاها می‌باشند بسیار حائز اهمیت است.

از سلسله پوشش‌ها و سقف رواق‌های دور تا دور، به جز شواهد و مانده‌هایی اندک از پاکار طاق‌ها (داغ و سایه کار) و بقایای حدود نیم متر از طاق که به شدت آسیب دیده، تماماً تخریب شده و از بین رفته است. (شکل شماره ۹)



عکس شماره ۲۰ - غرفه‌های فوقانی مسجد جامع ده نو

رواق:

فضای کشیده دور تا دور مسجد که هسته مرکزی، ایوان و حیاط را در بر گرفته است. این فضا که توسط سلسله‌ای از طاق‌ها و طاسک‌ها پوشیده شده، ضمن ایجاد پناهگاهی سودمند

هر یک از رواق‌های جانبی گنبد خانه در انتهای جنوبی خود دارای یک اتاق کوچک مستقل بوده که از طریق یک درگاهی به آن راه می‌یافته است این فضا در مسجد جامع بفروئیه و

جامع ابرند آباد نیز دیده می‌شود که به احتمال قریب به یقین جهت پیشی نگرفتن نماز گزار از پیش نماز و امام جماعت تعبیه شده و می‌توانسته عملکردهای مختلف، نظیر انبار و آبدارخانه را داشته باشد. فضای رواق در جبهه شمالی با دهلیز ورودی به هم می‌آمیزند. دسترسی به پشت بام این رواق از طریق دو راه پله در طرفین ورودی اصلی بنا میسر می‌گردد هر چند که از داخل نیم طبقه ایوان نیز در گذشته راهی به بام این بخش وجود داشته است^{۱۲}. (شکل شماره ۱۹)

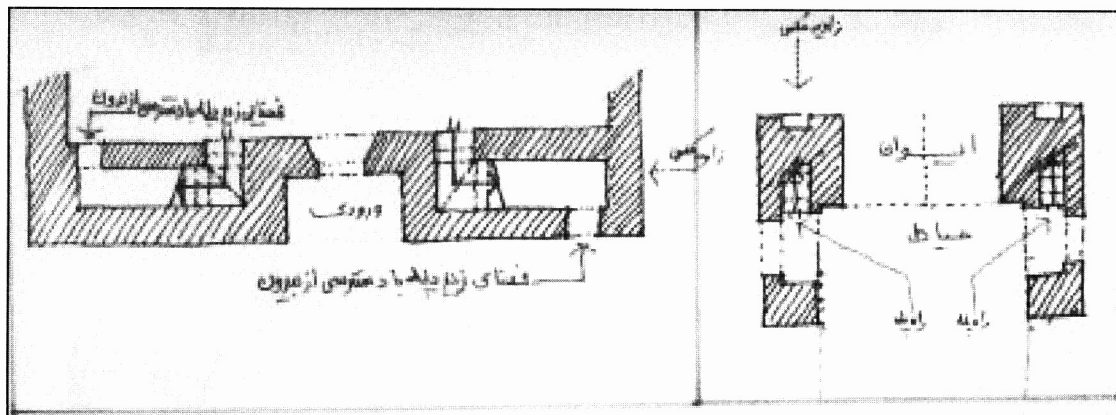
گرمخانه :

مساجد این دوره معمولاً دارای دو محراب اصطلاحاً گرمخانه و سردخانه می‌باشد با توجه به شرایط آب و هوایی منطقه (تابستان‌های داغ و زمستان‌های پر سوز و سرد، همراه با طوفانهای سهمگین) معمولاً از ایام عید تا اوایل آذر ماه از فضا و شبستانهای اصلی و بیرونی مسجد و باقیمانده ایام سال را در گرمخانه سپری می‌کنند به همین خاطر، مدت زمان استفاده از گرمخانه بسیار محدود و به همان نسبت فضایی

کوچکتر را به خود اختصاص داده است. گرمخانه معمولاً دارای جرزهای ضخیم، و در برخی مواقع مانند حمام اندکی در دل زمین فرو رفته است، تا از گزند سوز سرمای سخت زمستان در امان باشد یکی از ویژگی‌های مهم معماری منطقه سازگاری و تطابق آن با شرایط آب و هوایی محل می‌باشد.

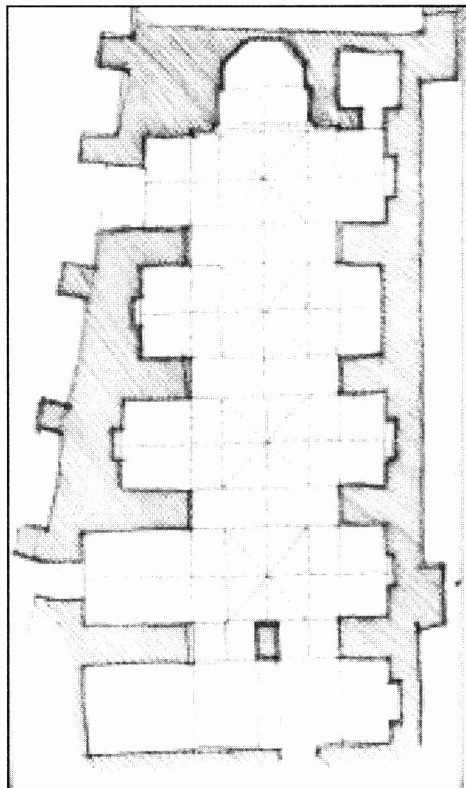
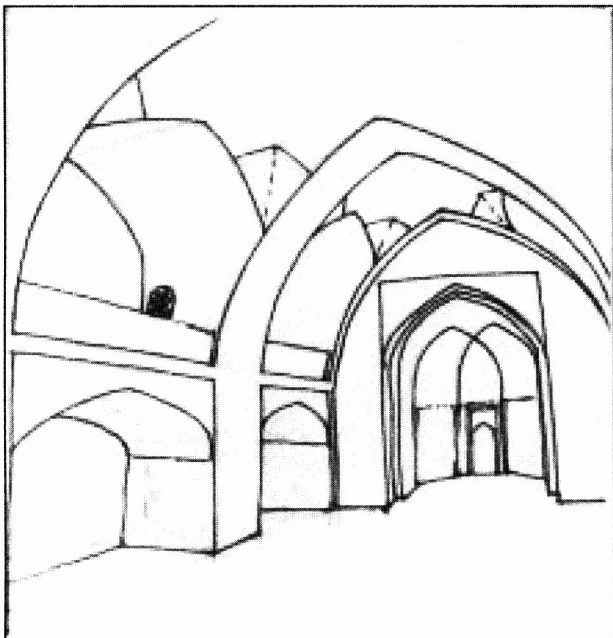
تیپ رایج گرمخانه‌های منطقه یک تالار کشیده در راسته محور قبله بوده و دور تار دور آن کمر پوش شده و حجره‌های فوقانی، مختص استفاده زنان بوده است. (شکل شماره ۲۰-۲۱)

این فضا که تا حدود زیادی یادآور تالار اصلی کاروانسراها، اما در دو طبقه می‌باشد، دارای فضایی بسیار گرم و دلنشین بوده و به لحاظ نوع پلان - شیوه ساخت و تکنیک پوشش سقف آن بسیار مقاوم و معمولاً به عنوان سازه مستقل عمل می‌کرده است. نوع طراحی و اجرای سازه به همراه ارتفاع نسبتاً کوتاه آن، به گونه ایست که طاق‌ها و تویزه‌ها از همه طرف، پشت در پشت بهم تکیه داشته و در هم کلاف شده؛ و وحدت سازه‌ای جالبی را بوجود آورده است، که به نظر می‌توانسته در برابر زلزله بیش از سایر ساختارها مقاومت کند.



شکل شماره ۱۹- راه پله طبقه فوقانی و پلکان پشت بام

۱۲- در حین انجام مرمت‌های استحفاظی، یک عدد آجر فرش cm ۲۰×۲۰×۳ قدیمی در پشت بام رواق یافت شده که، طراز ارتفاعی پشت بام را مشخص و وجود آجر فرش در بام رواقها را محرز کرده است.



شکل شماره ۲۰-پلان نوع رایج گرمخانه‌های میبد

بنابراین شبستان زمستانی مسجد ده نو متفاوت از سایر شبستانهای رایج منطقه یک ناو کشیده و ساده شمالی جنوبی با طاق ضربی سرتاسری می‌باشد که اندکی در دل زمین فرو رفته است تنها نمونه مشابه قابل قیاس با آن، گرمخانه شرقی مسجد جامع رکن آباد است که دارای یک ناو ساده سرتاسری با طاق ضربی و یک محراب کوچک و زیبا (مزمین به رنگ اخرا) و نورگیر کوچکی در بالای آن می‌باشد. (شکل شماره ۲۲)

در مجموع شاید بتوان سادگی و بدوی بودن این دو گرمخانه را ناشی از طرح و پلان متقدم‌تر آن دانست و این طرح را مقدمه گرمخانه‌های پیشرفته‌تر بعدی محسوب کرد.

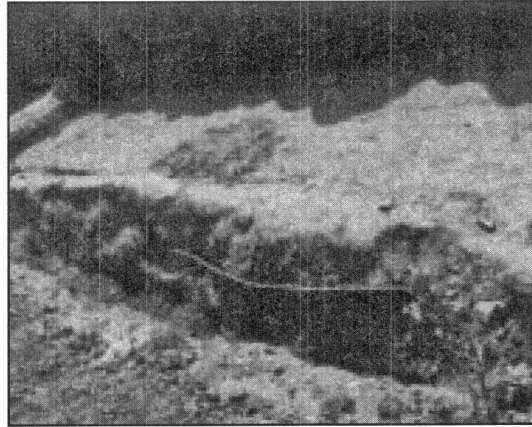
گرمخانه مسجد ده نو کاملاً تخریب شده و با زمین‌های کشاورزی اطراف همسطح شده است در وضعیت موجود این فضا تنها از طریق جرز مشترک آن با فضای تابستانه اصلی مسجد، قابل تصور می‌باشد. بر اساس سوندازها و پی‌گردیهای انجام شده^{۱۳}، ته‌رنگ و ریشه جرز غربی و جنوبی گرمخانه مشخص شده است. کف آن به ارتفاع حدود ۱۰۰ سانتی متر پایین‌تر از کف فعلی مسجد می‌باشد. (عکس شماره ۲۱)

بر اساس اندک بقایای طاق، در پاکار جرز مشترک گرمخانه و مسجد می‌توان دریافت که گرمخانه دارای سالن کشیده‌ای با طاق ضربی سرتاسری (پرضربی) با خیز زیاد بوده و پاکار طاق بسیار پایین، به ارتفاع ۱/۲۰ سانتیمتری کف زمین بوده است.

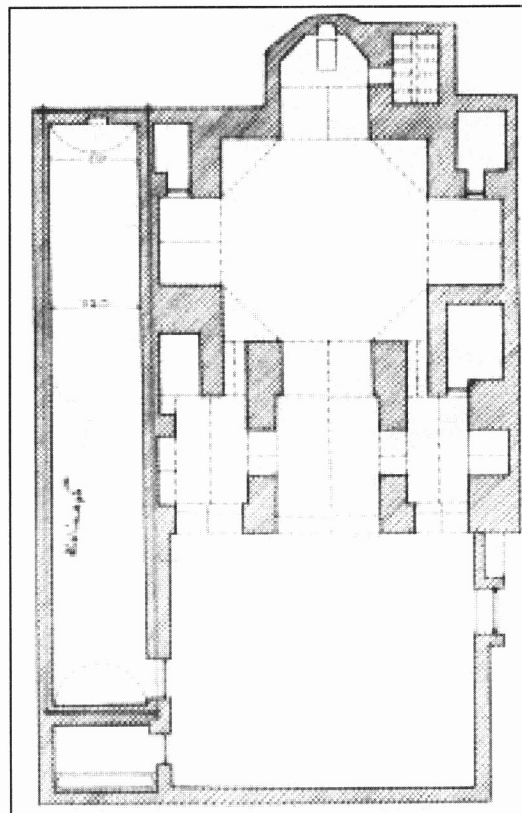
۱۳- گزارش پیگیری گرمخانه مسجد جامه ده نو، حسن حسینی، زیر نظر سرکار خانم شبانی، پایگاه پژوهشی میبد.



عکس شماره ۲۲ - فضای زیر گنبد مسجد



عکس شماره ۲۱ - گرمخانه مسجد ده نو، پس از حفاری و مشخص شدن چرخ غربی



شکل شماره ۲۲ - گرمخانه مسجد جامع رکن آباد

محراب:

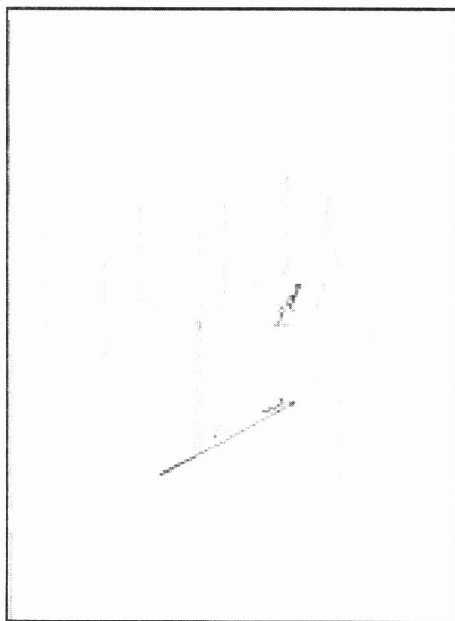
محراب بعنوان نماد قبله و نقطه عطف و بر آیند تمامی نیروهای مادی و معنوی فضای مسجد محسوب شده و از اهمیت و ارزش خاصی برخوردار بوده دارای شرف مکانی ویژه‌ای نزد مسلمین است. محراب مسجد ده نو فضای نیم هشت پس نشسته‌ای با عمق حدود ۱/۸۰ cm از جنوبی‌ترین برمسجد می‌باشد دارای نسبتی کشیده بوده و قوس سر تویزه آن از نوع پنج و هفت معمولی می‌باشد. (عکس شماره ۲۳)

پوشش فضای محراب در گذشته بصورت نیمه گنبدی بوده که با رسمی بندی زیبایی فضای داخلی سقف مزین شده بود، که در لابلای رسمی بندی و در میان سه یال آن ۳ نورگیر، روشنایی فضای محراب و گنبد خانه را تأمین

می کرده است. امروزه بخش‌های زیادی از آن تخریب شده و از بین رفته ولی ته رنگ برخی از شمشه‌ها هنوز پا برجاست. این جبهه در داخل فضای گنبد خانه از همه جهات دیگر متعالی‌تر و شاخص‌تر است، چرا که سه جبهه باقیمانده هر کدام در میانه‌های کار کمر پوش شده و دارای غرفه‌های فوقانی می‌باشد.

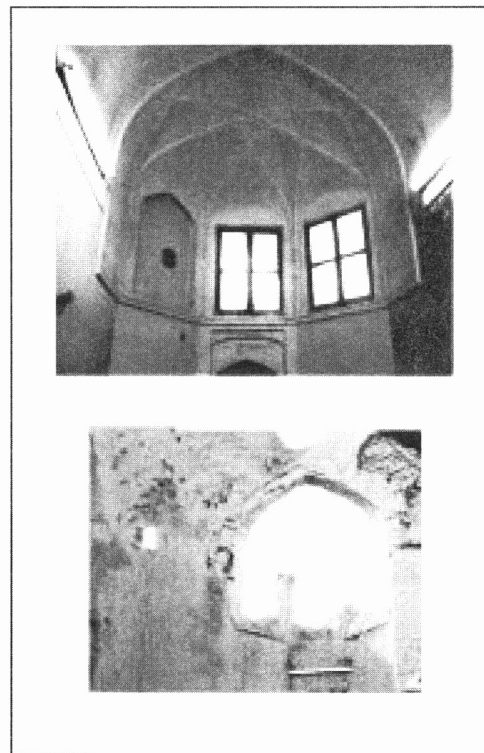
محراب علاوه بر اینکه نماد عبادت و محور مقدس قبله است، محلی است برای تزئینات هنرمندانه و استادانه بنا، در نمونه‌های یاده شده مساجد منطقه محراب با کاربردی و رسمی بندی گچی، مقرنس‌های پر کار و هنرمندانه گچی در تلفیق بانگین‌های کاشی و همچنین گهگاه کتیبه کوچک معرق کاشی پرداخت شده است و از حیث تزئین، رسمی‌ترین فضای مسجد است.

در برخی از مساجد نظیر جامع فیروز آباد و جامع بفروئیه فضای محراب دارای پوشش نبوده و از بالا به یک بادگیر بلند و رفیع متصل می‌شود که در فصل گرما شبستان تابستانه مسجد را خنک می‌کند، بویژه اینکه خود بادگیر به عنوان نشانه و نمود خارجی بنا تظاهری آشکار دارد^{۱۴}. (عکس شماره ۲۴) جالبست که قبله مسجد از سمت حقیقی کعبه چندین درجه منحرف است. این انحراف هم به روش دستی و هم با کمک قبله نما ارزیابی گردید و جهت اصلی قبله حدود ۳۰ درجه به سمت غرب متمایل می‌باشد. (شکل شماره ۲۳)

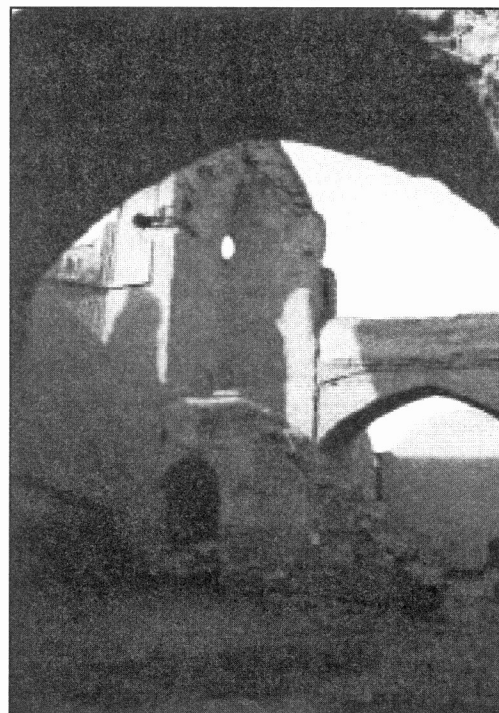


شکل شماره ۲۳- اختلاف جهت قبله

۱۴- به نظر می‌رسد که این بادگیرها متعلق به زمان ساخت اولیه بنا نبوده و در دوره‌های بعدی به آن الحاق شده است.



عکس شماره ۲۳- فضای محراب مقصوره مسجد در مقایسه با مسجد جامع رکن آباد

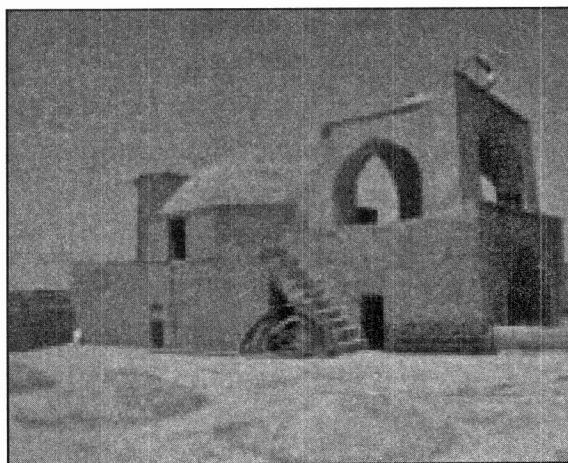


عکس شماره ۲۵- منبر خشتی متصل به مسجد

منبر:

منبر مسجد جامع ده نو از نوع منبرهای ثابت و از خشت و گل ساخته شده، به شکل مثلثی پله دار و در طرفین پله دیوارک برجسته تری جهت جان پناه وجود داشته است. محل قرارگیری آن در سمت راست محراب و با یک طاق کوچک به بدنه جنوب گنبد خانه تکیه دارد. (عکس شماره ۲۵)

این منبر خشتی دارای ۹ پله حدوداً ۳۰ تا ۳۵ سانتی متر بوده که امروزه ۷ پله آن باقی مانده و مابقی در زیر خاک مدفون می باشد. مسجد مجموعه بندر آباد نیز دارای منبر ثابت بوده که بر روی آن معرق کاشی زیبایی کار شده است.



عکس شماره ۲۴- ترکیب و تظا هر کالبدی احجام برا فراشته

مسجد (ایوان و مؤذنه- گنبد و بادگیر روی محراب)

قوسها

با توجه به مطالعات انجام شده بخش زیادی از استراکچر و هیأت کلی مسجد، از روی جرزها و پلان نسبت سالم و پا بر جا و بقایای قوسهای مسجد قابل درک و شناسایی به نظر می رسد. جهت تکمیل خطوط معماری مسجد و دستیابی به طرح اصلی بخش های از میان رفته، که عمدتاً پوششها و طاقها و خطوط آسمانه معماری مسجد می باشد. بررسی و مطالعه دقیق تمامی قوسها و دورهای بکار رفته در مسجد و تحلیل آنها و در نهایت مقایسه تطبیقی با چند نمونه مسجد هم زمان و هم زبان با آن ضروری می باشد. تا بتوان از راه قوسها و روشهای

اجرایی طاق و تویزه ها، به شناخت صحیح نوع و روشهای اجرایی آن دست یافت.

قوسهای برداشت شده:

- ۱- قوس تویزه اصلی بالای محراب - مقیاس ۱/۱۰
- ۲- قوس تزئینی سقف محراب - مقیاس ۱/۱۰
- ۳- قوس تویزه ضلع شرقی گنبد خانه (طبقه اول) - مقیاس ۱/۱۰
- ۴- قوس تویزه ضلع شرقی گنبد خانه (طبقه دوم) - مقیاس ۱/۱۰
- ۵- قوس در گاهی داخل نیمه طبقه شرقی گنبد خانه - مقیاس ۱/۱۰
- ۶- قوس تویزه پایینی ضلع غربی گنبد خانه - مقیاس ۱/۱۰
- ۷- قوس تویزه پایینی ضلع شمالی گنبد خانه - مقیاس ۱/۱۰
- ۸- قوس جبهه شرقی نمای داخلی ایوان - مقیاس ۱/۱۰
- ۹- قوس اطاق گوشواره شرقی گنبد خانه - مقیاس ۱/۱۰
- ۱۰- قوس دهانه کناری راه پله شرقی - مقیاس ۱/۱۰
- ۱۱- قوس کوچکتر در گاهی دهانه کناری راه پله شرقی - مقیاس ۱/۱۰
- ۱۲- قوس در گاهی شرقی مسجد - مقیاس ۱/۱۰
- ۱۳- قوس در گاهی کوچک گوشه شمال شرقی (زیر پله) - مقیاس ۱/۱۰
- ۱۴- قوس در گاهی راه پله شرقی پشت بام - مقیاس ۱/۱۰
- ۱۵- ورودی فضای زیر پله غربی (از بیرون) - مقیاس ۱/۱۰
- ۱۶- قوس طاق زیر منبرخشتی - مقیاس ۱/۱۰

پس از برداشت دقیق تمامی دوره های بر جای مانده از مانده های معماری مسجد و تحلیل آن، بر اساس نحوه ترسیم، نتایج زیر حاصل گردید:

۱- دور تویزه های اصلی گنبد خانه و ایوان به طور کلی از دو نوع می باشند:

الف - دور پنج و هفت معمولی: قوسی است بسیار شکیل و توانمند که از آن در برپایی سازه اصلی گنبد خانه و ایوان استفاده شده است. یعنی تمامی بار اصلی، تنه و جرم گنبد

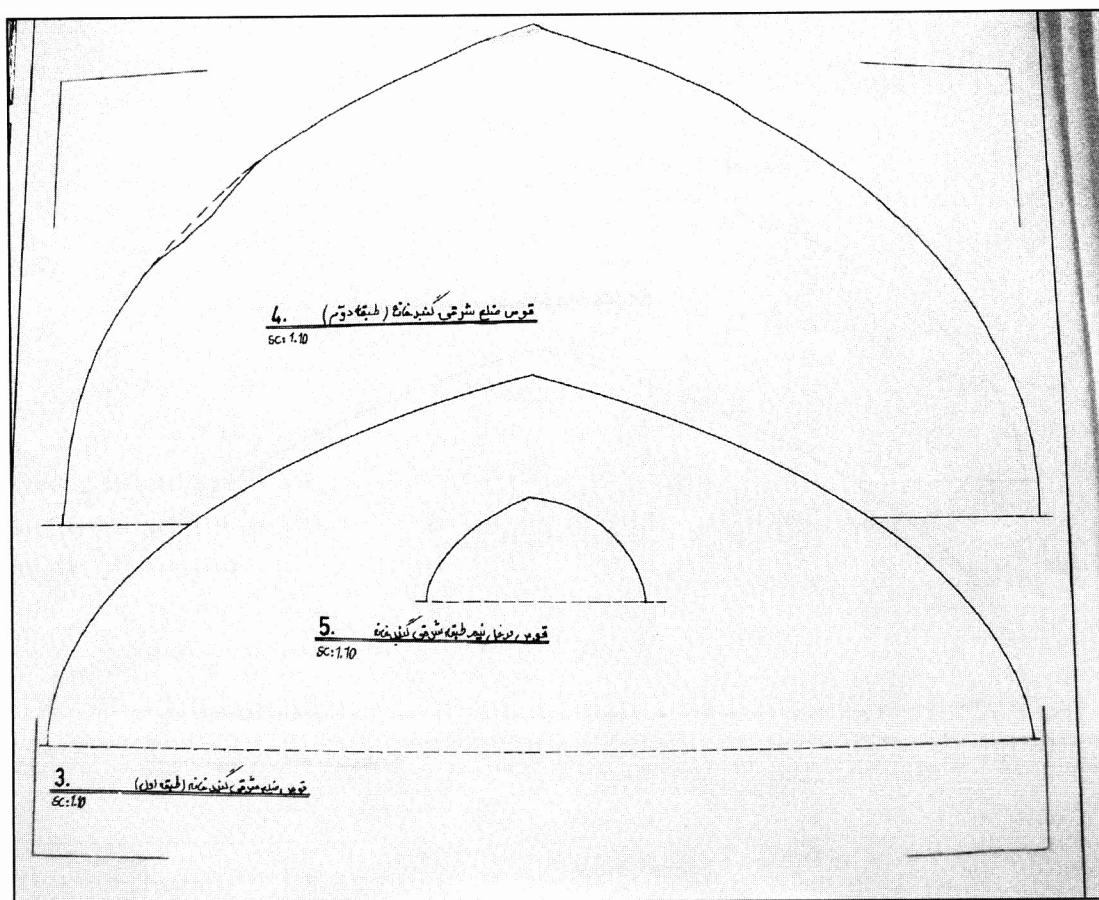
و پوشش ایوان به مدد این دور برپا و استوار گشته است. به عبارتی دیگر تمامی تویزه‌های اصلی فوقانی گنبد خانه و ایوان، یعنی چهار طاق اصلی گنبد خانه و طاق نیم طبقه‌های فوقانی ایوان اصلی و به احتمال قریب به یقین دور اصلی خود ایوان جنوبی نیز از همین نوع بوده است

ب - دور پنچ و هفت کند: بکار رفته در دهانه‌های زیرین فضای گنبدخانه و ایوان که عموماً کمربوش شده‌اند و از بالای آن به عنوان نیم طبقه استفاده می‌شده است. نقش سازه‌های آن کمتر از قوس‌های فوقانی بوده، و بیشتر در حکم کلاف و کمربند عمل می‌کرده است.

(مسجد میر چخماق یزد و ابرند اباد نیز مشابه آن می‌باشد.)

۲- دورهای بکار رفته در راهرو و شبستان دو طرف شرقی غربی مسجد به استناد قوس‌های بر جای مانده و مقایسات انجام شده، به احتمال قوی از نوع شبدری معمولی می‌باشد که همین نوع قوس در راهروی طرفین مسجد جامع بفرویه نیز به کار رفته است

۳- قوسهای بکار رفته در دهانه‌های کوچک و درگاهی‌ها نیز از نوع دور کند می‌باشد که در درگاهی شرقی مسجد و ورودی به گرمخانه از آن استفاده شده است.



شکل شماره ۲۴ و ۲۵

نظم پنهان (نسبت‌های هندسی بنا)

نظم پنهان

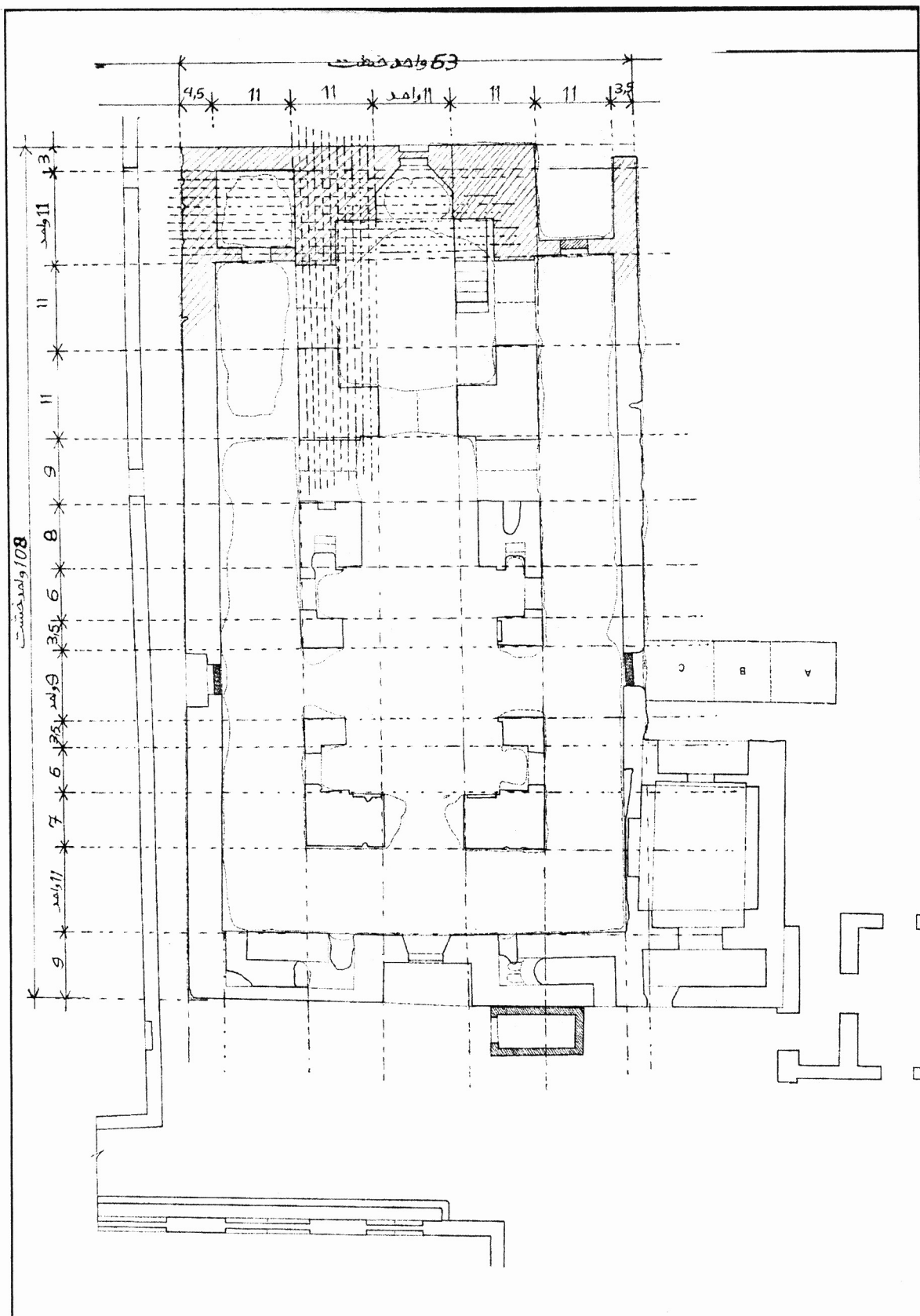
- ابعاد خشتهای مسجد ۶ - ۵ × ۲۶ - ۲۵ × ۲۶ - ۲۵ سانتیمتر می‌باشد.
- بندملات بین خشتهها ۱/۵ - ۱ سانتیمتر می‌باشد.
- بنابراین هر واحد تقریباً ۲۷ - ۲۶ = ۱/۵ - ۱ + ۲۶ - ۲۵ سانتیمتر است.
- از این روکل مساحت مسجد (به غیر از گرمخانه) از ۶۹ واحد خشت در ۱۰۸ واحد خشت تشکیل شده است.
- و سایر نسبتها و پیمونها دیگر بر اساس واحد خشت بر روی نقشه شماره ۲۶ مشخص شده است.

آنچه در این مسجد بیش و پیش از هر چیزی انسان را متحیر و مبهور می‌کند هندسه پنهان و نظم درونی قوی آن است که فکر و ذهن انسان را در شبکه‌ای از تقسیمات و تناسبات هندسی پویا به خود مشغول می‌دارد. این امر بخصوص در حین برداشت و نقشه برداری از بنا به سهولت قابل درک و دریافت است، با هر عددی که مواجه می‌شویم یا ضربی از یک عدد کوچکتر و یا مشتق وزیر مجموعه‌ای از یک عدد بزرگتر می‌باشند و از این طریق یک تجربه حسی ارزشمند نیز از تناسبات فضای معماری بنا حاصل می‌شود. تأثیر، نفوذ و گسترش هندسه در طرح افقی (پلان)، طرح عمودی در سیستم طاقها و قوسها و تزئین معماری از همه نافذتر است.

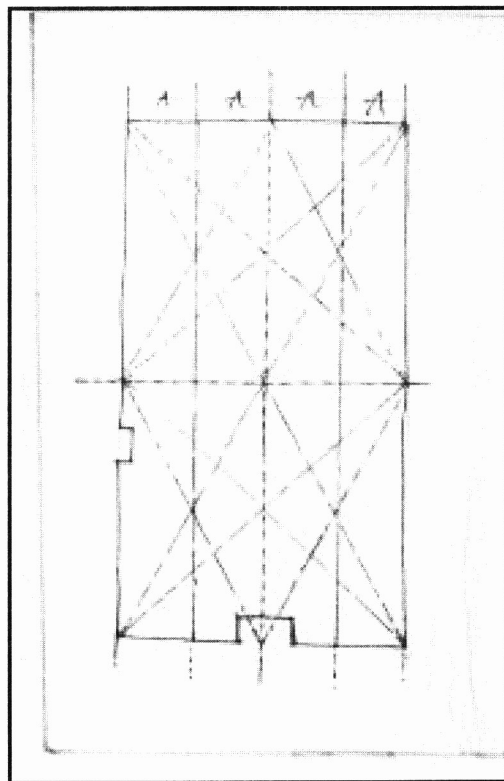
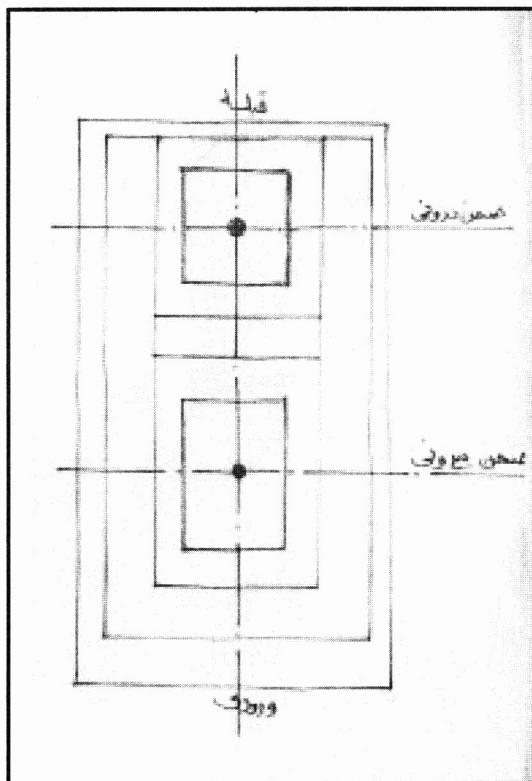
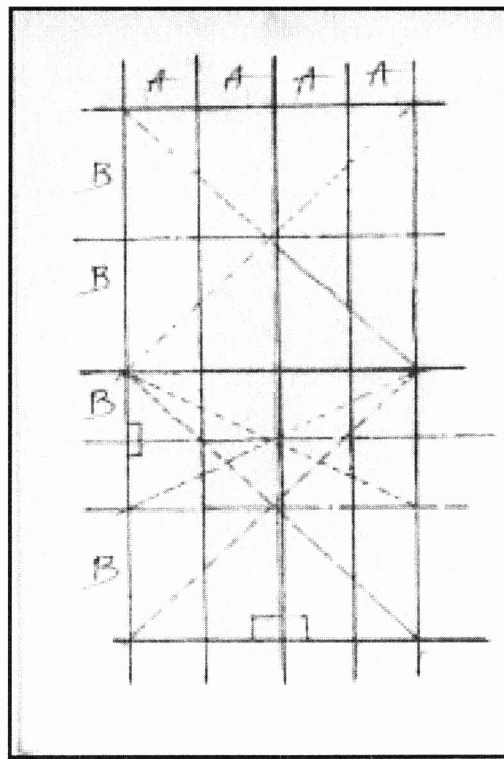
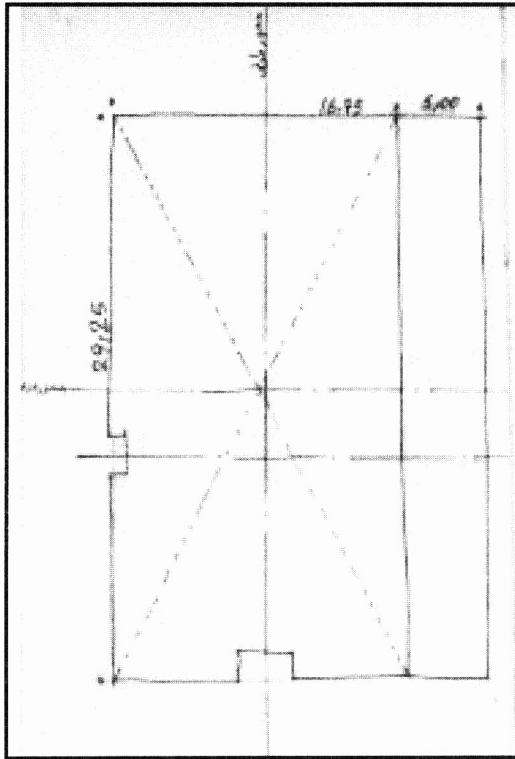
مطالعه بنا نشان می‌دهد که معماری آن کلاً از یک سیستم تناسب و ویژه پیروی می‌کند و بر اساس یک مدول و پیمون طرح ریزی شده است. از این رو ابتدا تجزیه و تحلیل‌های هندسی از نقش‌ها و اشکال و انتظام بنا جهت دستیابی به یک سیستم ریشه‌ای و ویژه (مشتق شده از آن) انجام شد، و سپس با استعانت از واحد خشت به کار رفته که بی شک در پیوند دقیق^{۱۵} و متقابل با سیستم اندازه‌گیری همزمان با ساخت بنا بوده (که هنوز بر ما کاملاً مشخص نشده است) سعی شده که تناسبات آن در شبکه‌ای از تقسیمات خشت بررسی و تحلیل شود.

این کار در طرح افقی، یعنی پلان، انجام شده و نتایج ارزشمندی را با خود به همراه داشت که در زیر به آن اشاره خواهد شد.

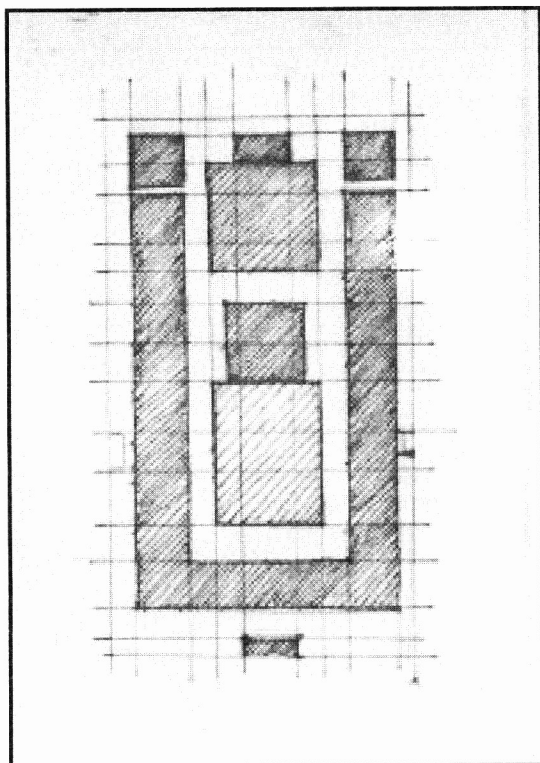
۱۵ - به نظر می‌رسد که اندازه خشت و آجر بکار رفته در بناهای قدیمی در پیوند تنگاتنگ با سیستم و نظام اندازه‌گیری رایج آن زمان بوده است از این رو تغییر در ابعاد و اندازه مصالح را می‌توان نماد تغییرات و تحولات فنی و مهندسی و سیستم‌های اندازه‌گیری همزمان با آن دانست.



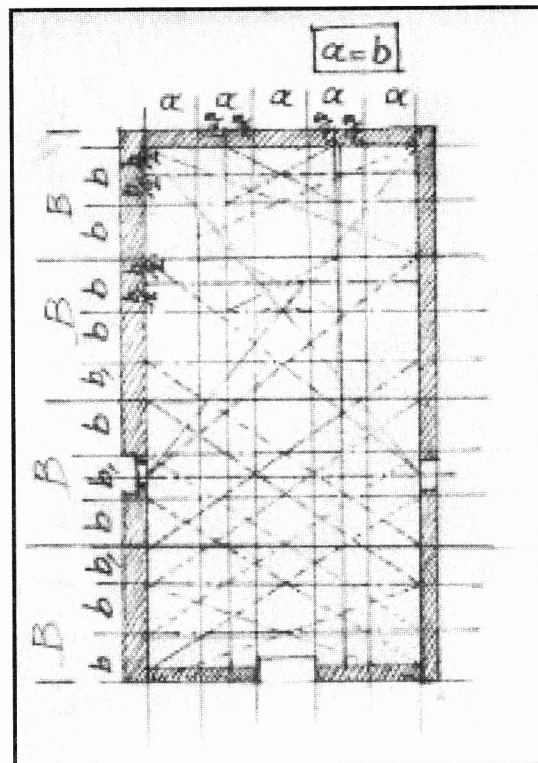
شکل شماره ۲۶-



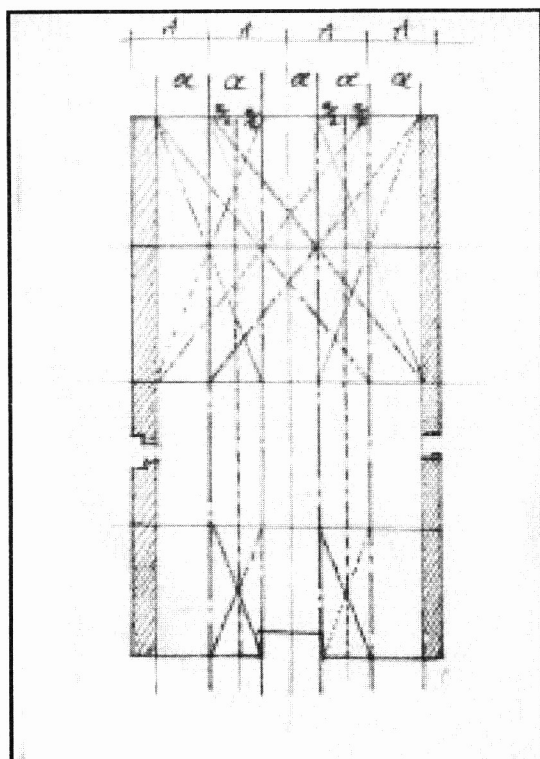
شکل شماره ۲۷ - نسبت‌ها و تناسب‌ها حاکم بر پلان مسجد (تصاویر ۱ تا ۸)



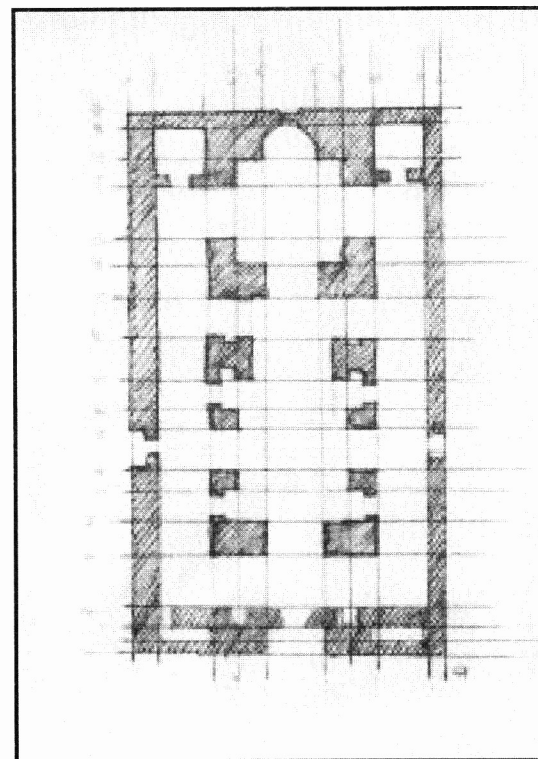
۶



۵



۷



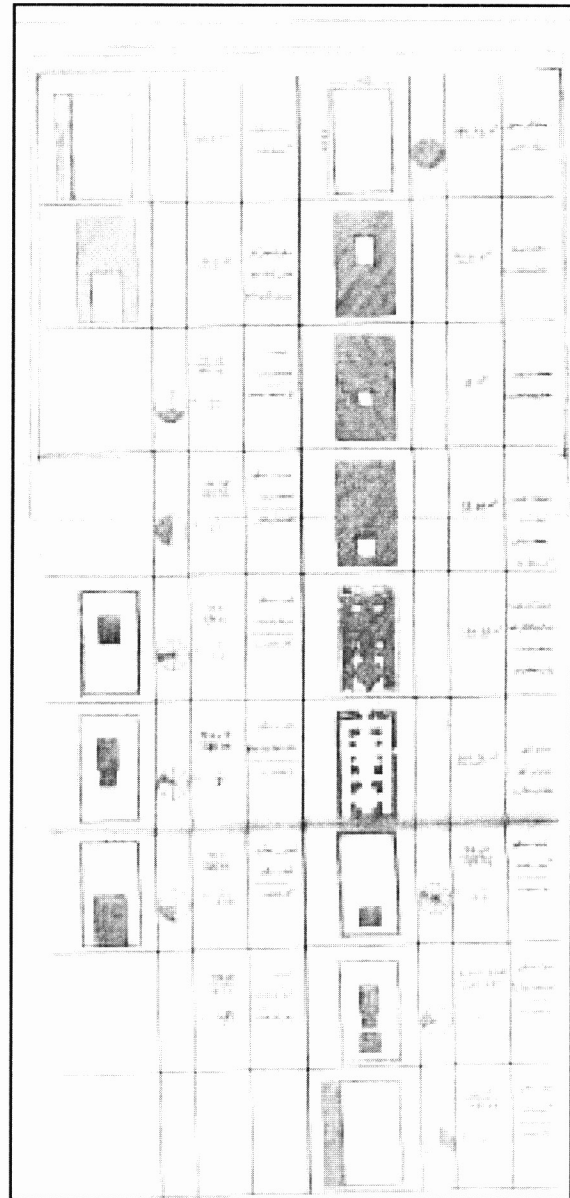
۸

آرایه‌ها و اجزاء بنا

بدلیل فروریختن کلیه پوششها در مسجد، تزئینات آن، که بیشتر در ناحیه انتقال پلانهای مربع به دایره و در سقفها وجود داشته، از میان رفته است.

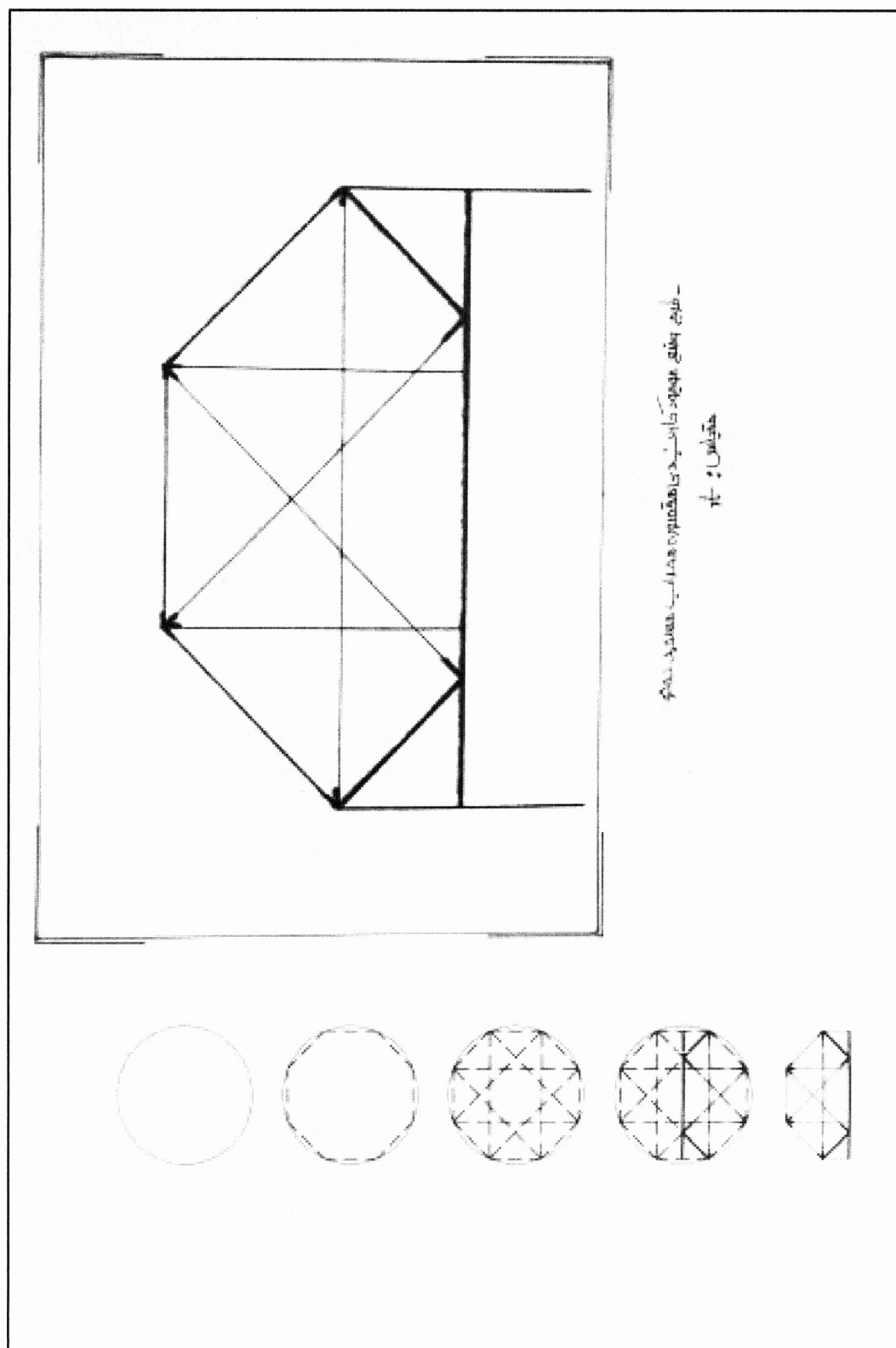
تغییر شرایط داخلی و خارجی مسجد، یعنی نماهای داخلی که با مصالح، تزئینات و عناصر و جزئیات فضاهای داخلی طراحی شده، به یکباره در معرض عوامل جوی خارجی قرار گرفته و درون آن با شدت بیشتری آسیب دیده و تخریب شده است. چرا که شرایط معماری و مصالح داخلی مسجد تاب و تحمل مقابله با عوامل بیرونی را نداشته به خصوص اندودها و نازک کاری گچی بنا به شدت در مقابل باد و باران آسیب دیده و از بین رفته است. که در اینجا برخی از بقایای تزئینات و آرایه‌های این مسجد بصورت عکس و نقشه معرفی می‌شود.

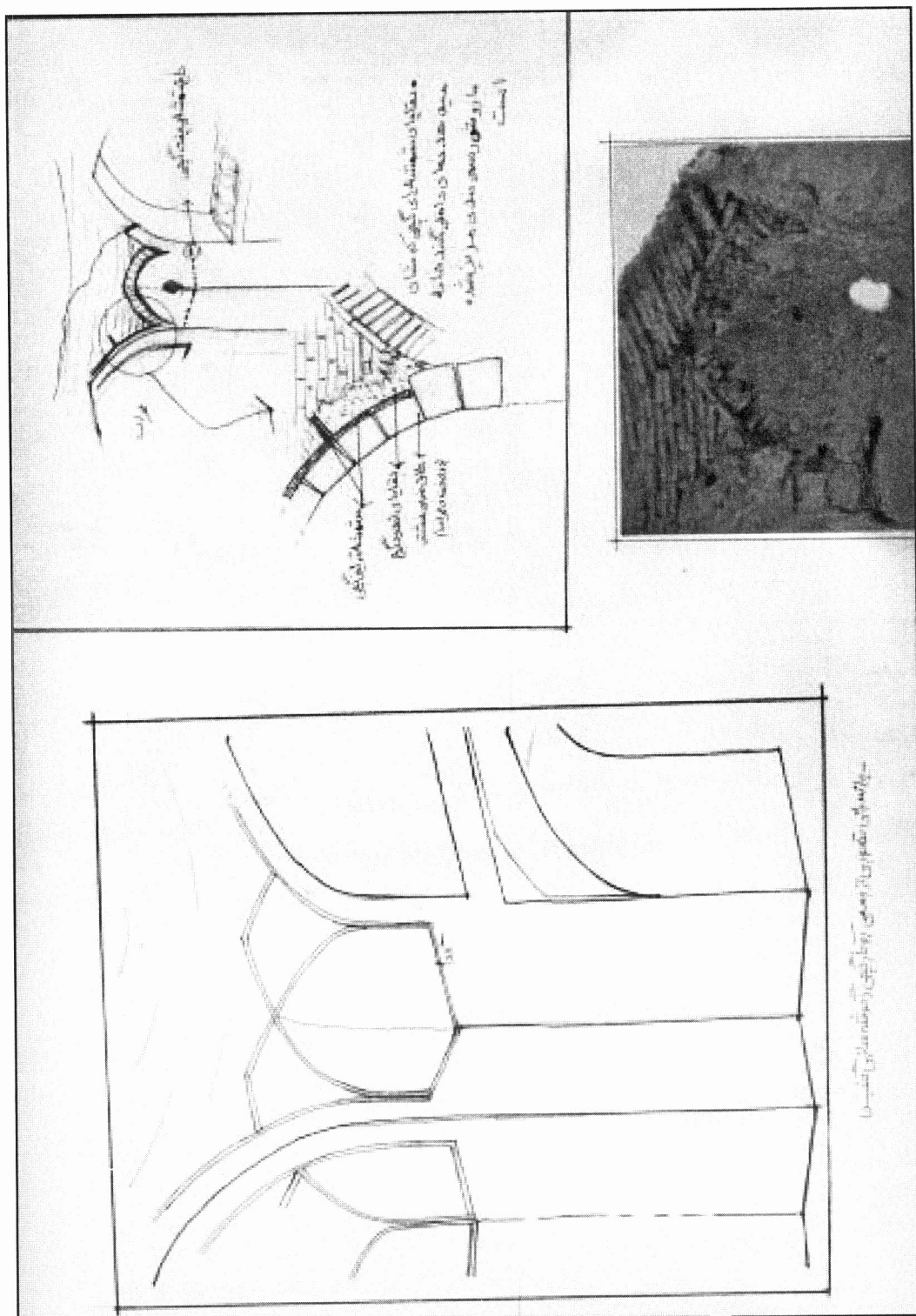
در نهایت تکنولوژی ساخت و فنون اجرایی به کار رفته در این مسجد به مثابه دانش فنی و مهارت‌های ساختمانی همزمان با بنا جهت شناخت، فن‌شناسی زمانی آن و استمداد از آن در کار مرمت به دقت مطالعه و بررسی شده که پاره‌ای از آن در پایان این نوشتار در قالب طرح و نقشه معرفی شده است.



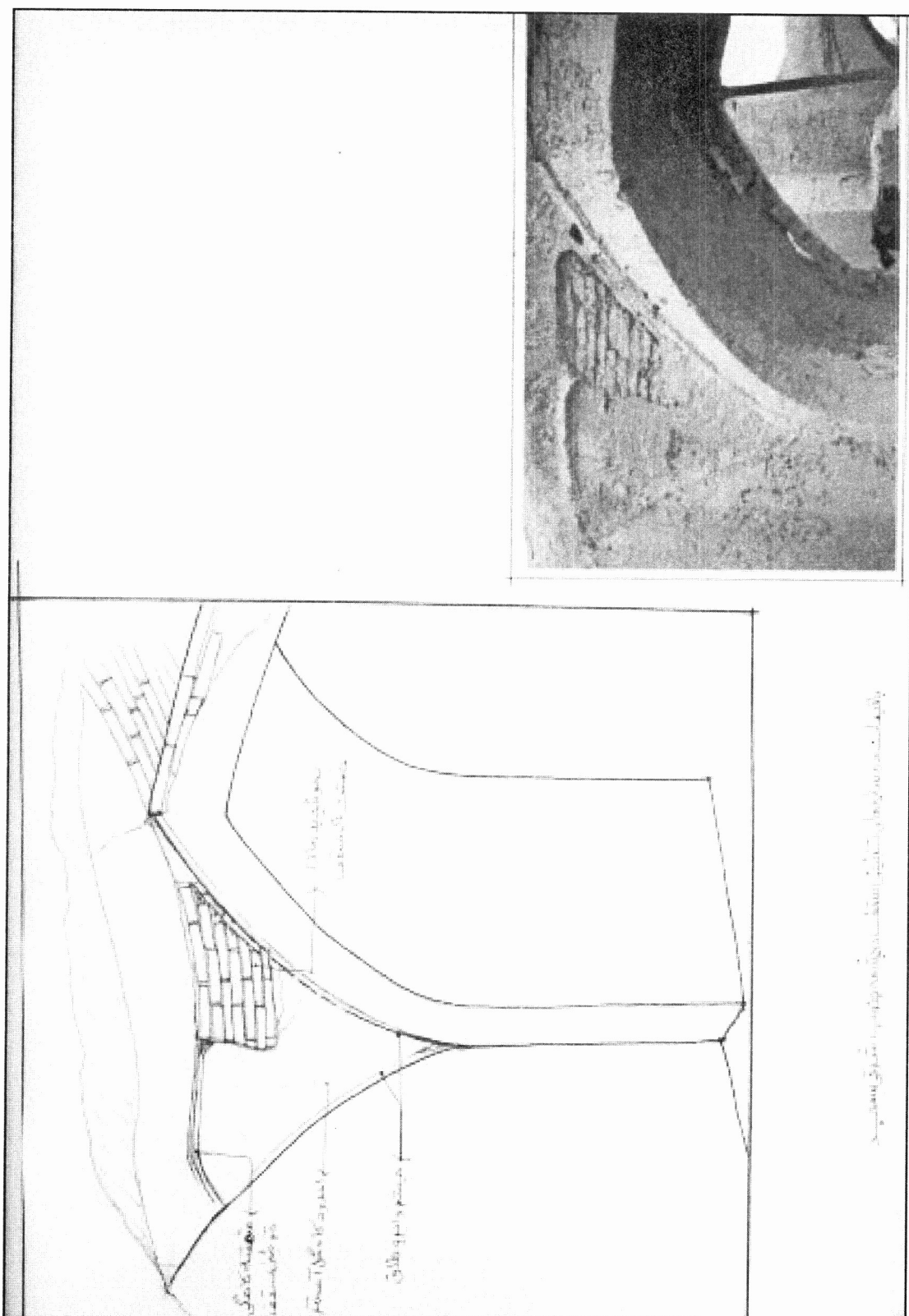
شکل شماره ۲۹ - نسبت بین فضاهای مختلف مسجد و سهم هر کدام

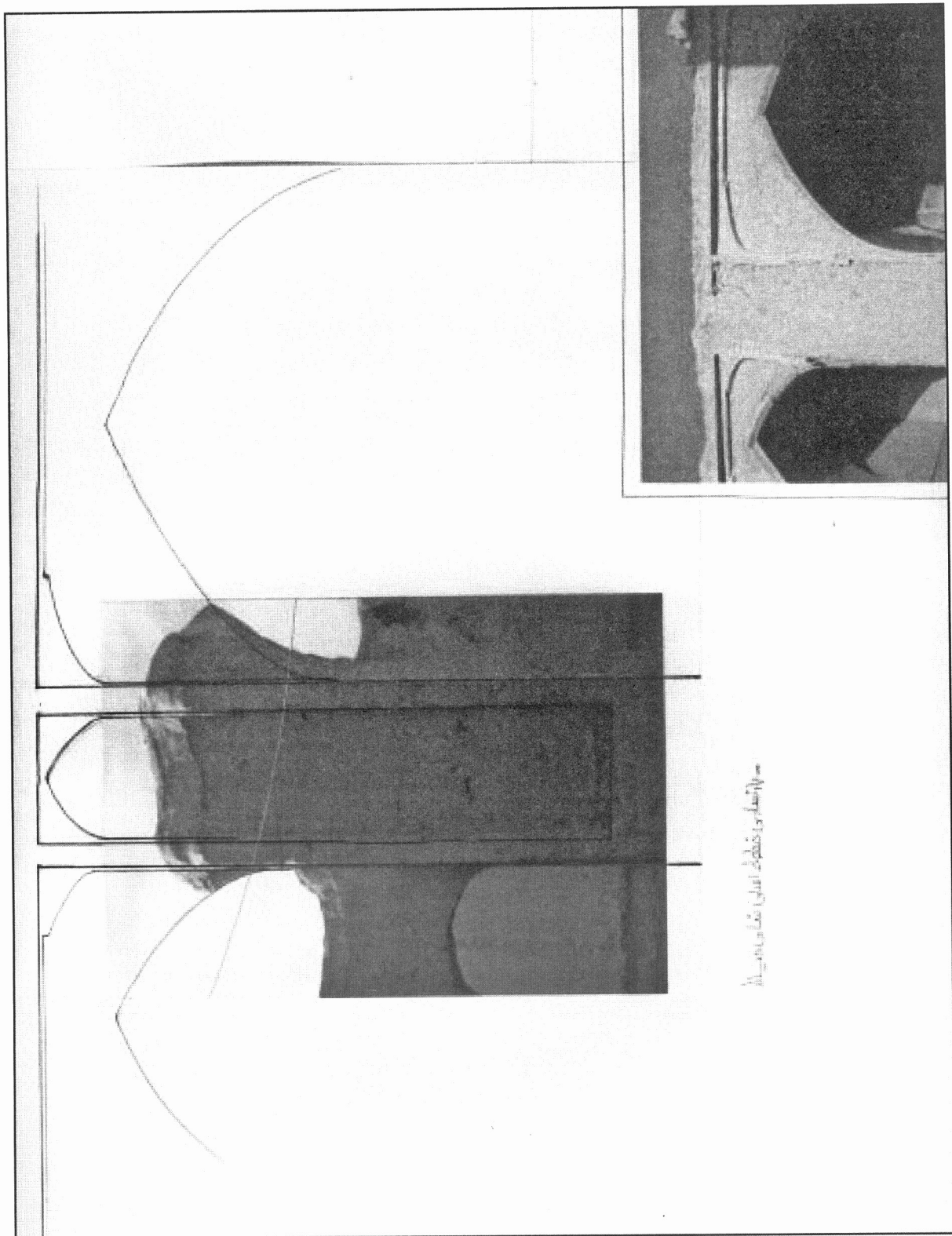
شکل شماره ۳۱- تحلیل نوع کاربردی محراب بر اساس سندهای موجود





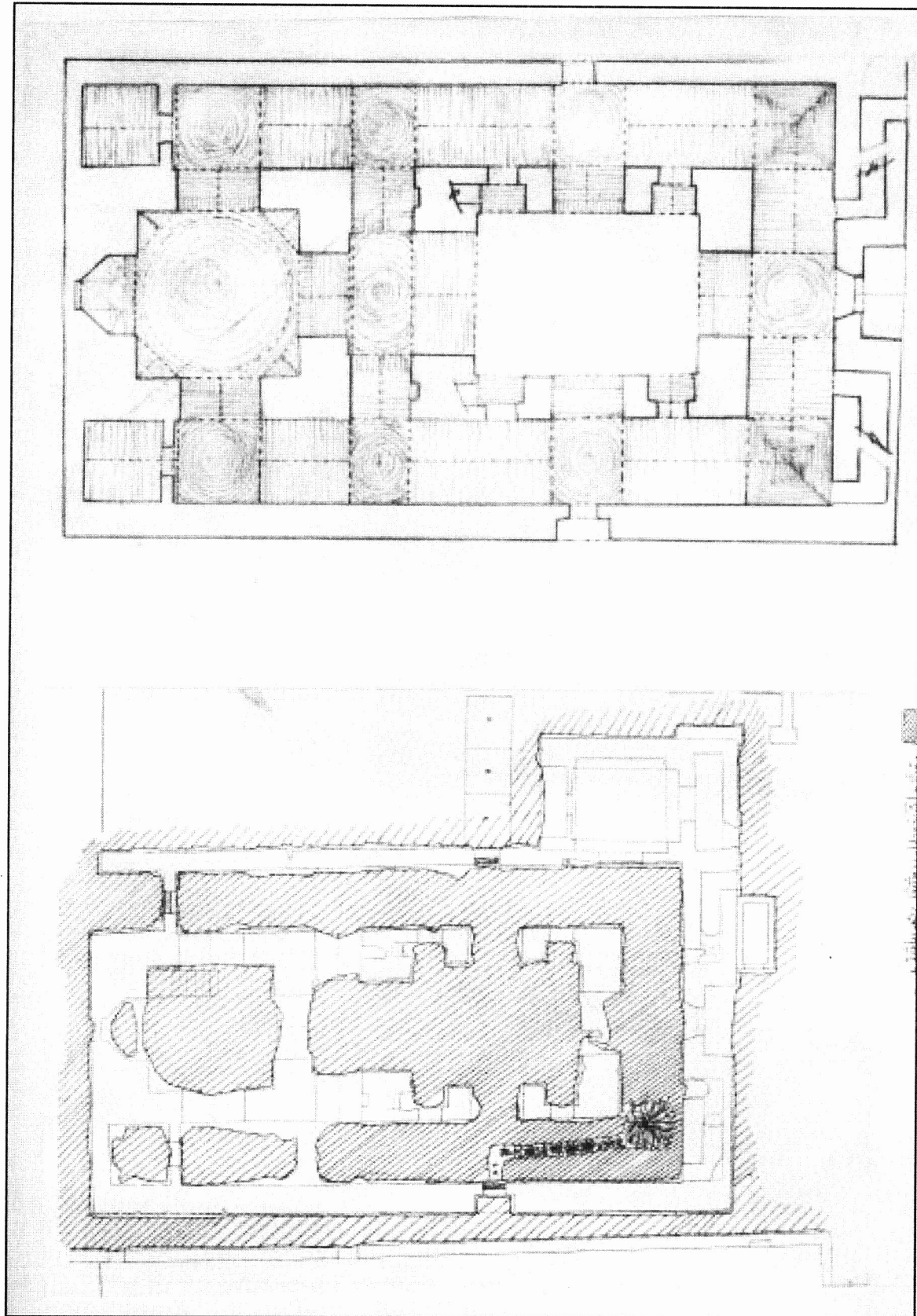
شکل شماره ۳۲ - بقایای سیار الذک شمشه‌های گچی، نشان می‌دهد که فضاي زیر گنبد خانه دارای روکشی گچی با خطوط رسمی بندی تزئینی بوده است.





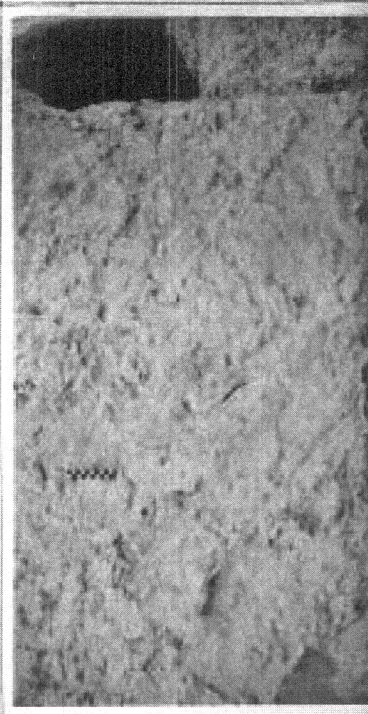
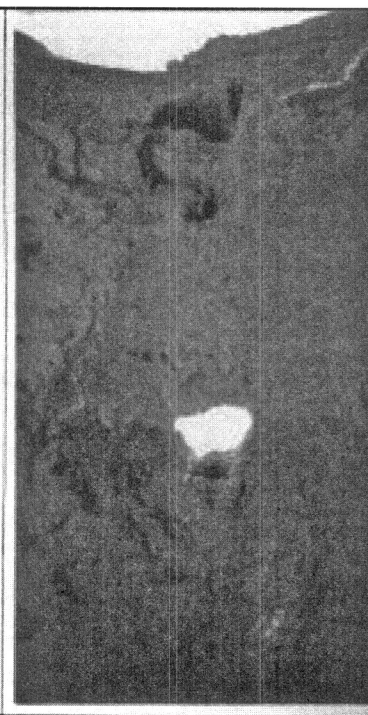
شکل شماره ۳۴ - بقایای نمای بدنه غربی رو به سخن مسجد و بازسازی تصویری آن

مسجد و بازسازی آن



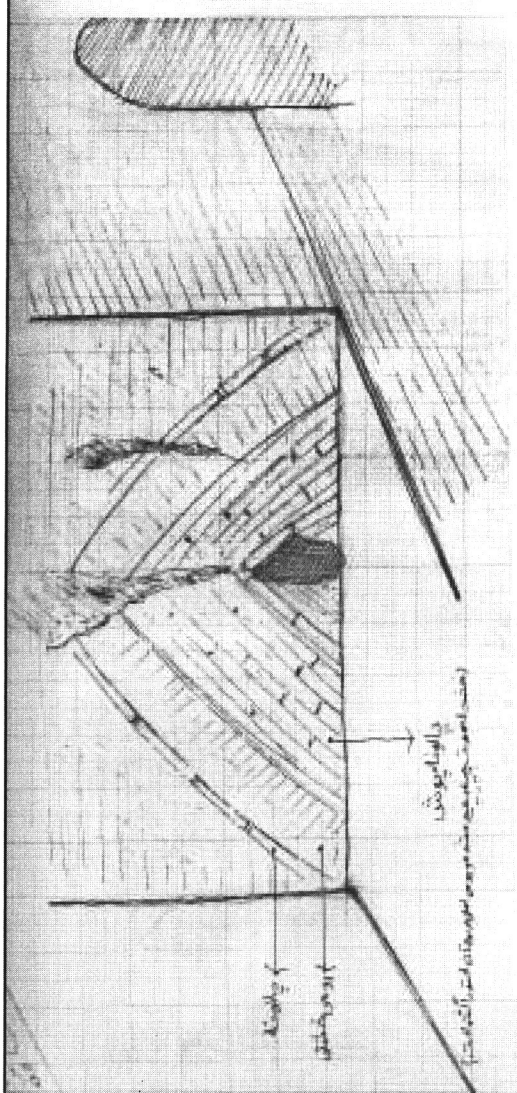
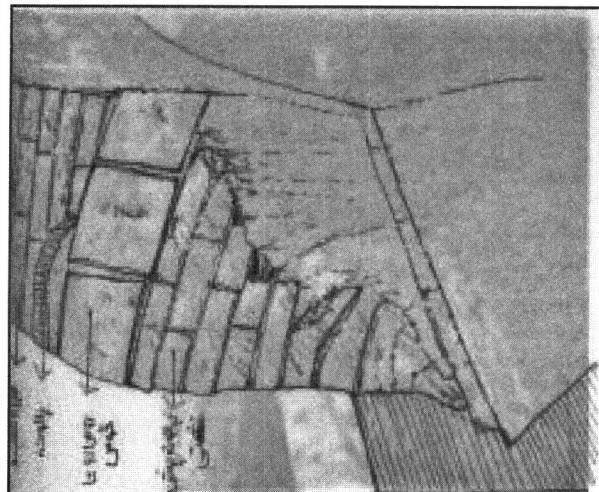
شکل شماره ۳۵ - پلان معکوس از وضعیت موجود سقف‌های از میان رفته مسجد و بازسازی تصویری از وضعیت اولیه آن بر اساس شواهد و مدارک

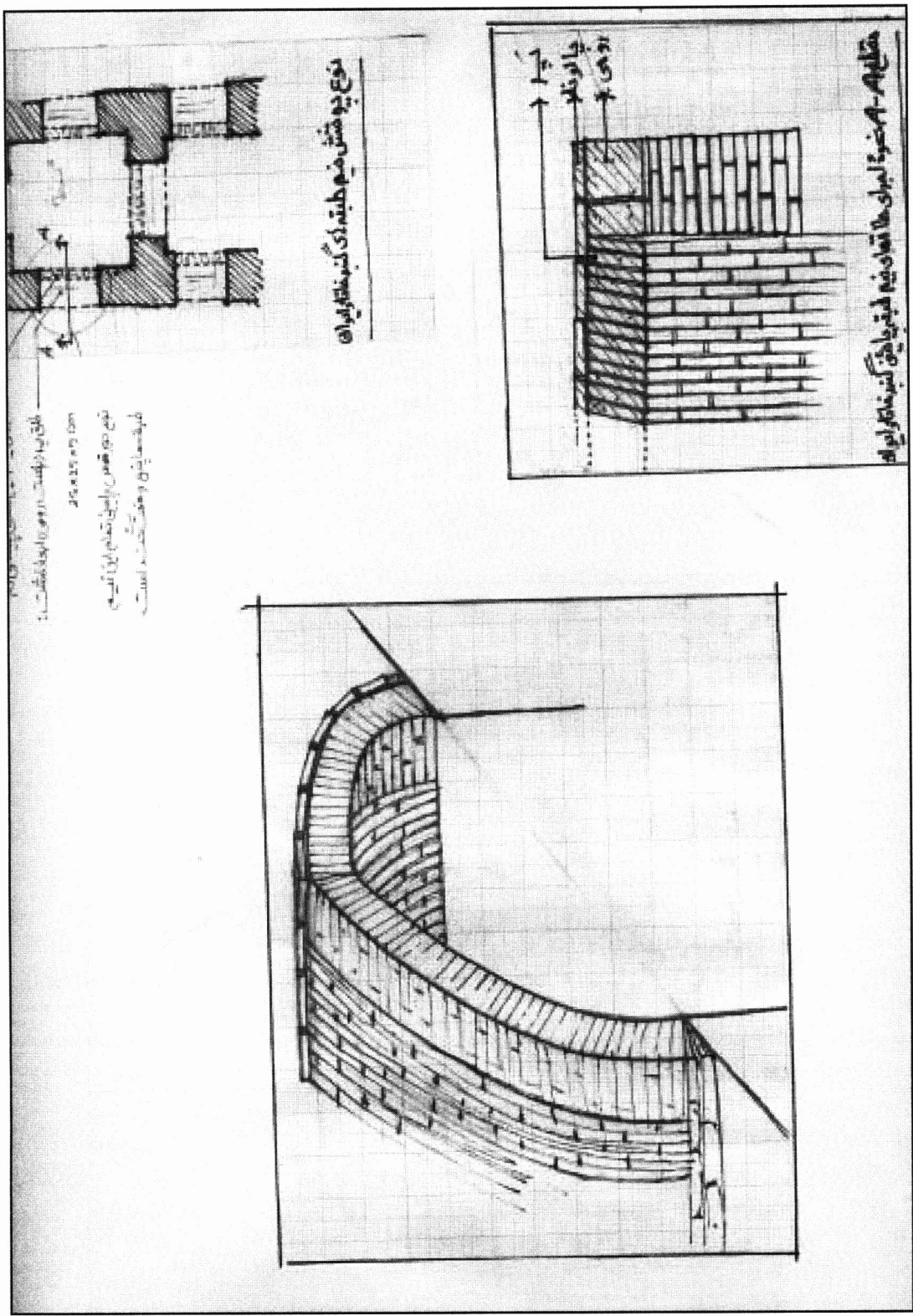
شکل شماره ۳۷. عکس و جزییاتی از بقایای گوشه‌سازی گنبد از نوع طاس



در گوشه‌های گنبد، مصالح آهکی و گچ به کار رفته و در قسمت‌های دیگر، به کار رفته است. مصالح آهکی و گچ به کار رفته است.

در شایان به‌شماره ۳۷، نقشه‌های گنبد (از طبقه میانی تا طبقه فوقانی) به‌شماره ۳۸.





شکل شماره ۳۸. نقشه جزئیات اجرای طاق نیم طبقه ها

